نقش آسیای میانه کهن در نشر حدیث شیعه

مهدی غلامعلی*

احمد غلامعلی**

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا تاریخ حدیث شیعه را در محدوده زمانی پنج قرن نخست هجری در بخشی از آسیای میانه (ماوراء النهر) بررسی کند. برای این منظور شاخصه‌های اساسی ـ که به بررسی تاریخ حدیث این منطقه منجر می‌شود ـ مطالعه و به تفکیک بررسی شده است. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: تعداد راویان، جلسات حدیث، کتاب‌های حدیث و موضوعات آنها، ارتباط با دیگر حوزه‌های حدیثی و نحوه تعامل حدیثی با اهل سنت منطقه.

از آنجا که این منطقه در شرق بلاد اسلامی، بسیار وسیع بوده و در دوره‌های مختلف نیز حالت‌های گوناگون به خود دیده است در نحوه بررسی این شاخص‌ها عناصر زمان و محدوده جغرافیایی مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تاریخ حدیث، کتاب حدیث، جلسات حدیث، راویان، ماوراء النهر، اشروسنه، بخارا، صغد، ایلاق، فرغانه، کش و نسف.

درآمد

به دریاچه آرال (یا خوارزم) در اُزبکستان رودی سرازیر می‌گردد که آن را آمو دریا (جیحون و یا آمویه) گویند. این رود بزرگ از ارتفاعات کوه‌های هندوکش و فلات پامیر سرچشمه می‌گیرد و پس از گذشتن از جنوب تاجیکستان و تشکیل مرز جنوبی آن با افغانستان، وارد خاک ازبکستان و سپس ترکمنستان شده و سرانجام در خاک ازبکستان به دریاچه آرال می‌ریزد. طول این رود عظیم بیش از دو هزار و پانصد و چهل کیلومتر است. در تقسیمات جغرافیایی ایران قدیم، رود آمویه از جنوب شرقی خراسان قدیم آغاز و تا

* عضو هیئت علمی و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشکده علوم حدیث.

** عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث.

شمال غربی آن ادامه داشته و به دریاچه خوارزم می‌ریخته است. وجود رودخانه‌ای عظیم همراه با آبراه‌های فرعی و هوای معتدل در شرقی‌ترین منطقه در بلاد اسلامی، سبب شده بود که همواره مناطق پیرامونی آمویه، محل سکونت و نضج تمدن‌های گوناگون کردد. در آن روزگار به شهرها و ولایات آن سوی رودِ جیحون (یا آمویه)، ماوراءالنهر می‌گفتند.

بلاذری[1]، بنابر گزارش *معجم البلدان*، خراسان قدیم را بر چهار ناحیه تقسیم کرده بود که عبارت بودند از: ایران شهر، مروشاهجان، غرب نهر و ماوراءالنهر.[2] این محدوده در حال حاضر شامل خراسانِ فعلی و سه جمهوری ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان و نیز بخشی از پاکستان و قسمت قابل توجهی از افغانستان است.

ماوراءالنهر در قرن اول، پس از آن که رنگ و بوی اسلامی به خود گرفت، به تدریج عالمان و راویان حدیث را به خود دید. روند مهاجرت عرب‌زبانان و رزمندگان مسلمان که برای فتح و یا حفاظت از محدوده شرقی بلاد اسلامی به این مناطق سفر می‌کردند گسترش می‌یافت و سال‌ها ادامه داشت. در میان این مسافران عرب‌زبان گروه‌هایی از محدثان نیز حضور داشتند. برخی از ایشان در لباس یک رزمنده برای خدمت به حکومت اسلامی به خراسان آمده بودند؛ به عنوان نمونه، قثم بن عباس بن عبدالمطلب پسر عموی پیامبر خدا، از سرشناسان صحابه[3] و همچنین از اصحاب، راویان و کارگزاران امام علی﴿ع﴾ است[4] که به عنوان فرمانده به سمرقند سفر و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. وی را می‌توان نخستین راوی حدیث در ماوراءالنهر دانست.

تقسیمات جغرافیایی

ماوراءالنهر در دوران گذشته و عصر خراسان بزرگ؛ دارای هفت منطقه یا به تعبیر امروزی هفت استان بوده است. هر کدام از این استان‌ها، شهرها و آبادی‌های متعددی را در خود جا داده بودند. گذشته از روستاهای فراوان این منطقه که عموماً حاصلخیز و سر سبز بوده است؛ شهرهای مهم آن در پژوهش حاضر بررسی گردید تا چنانچه راویان و یا فعالیت‌های حدیثی در آنها شکل گرفته باشد مورد مطالعه قرار گیرند. بر اساس آخرین پژوهشی که در تقسیم‌بندی خراسان قدیم انجام شده، ماوراءالنهر دارای هشت ولایت بوده است. این ولایات عبارت بوده‌اند از: اُسروُشَنَه،[5] بخارا، صُغد (ولایت صغد خود دارای

۱. تقسیم‌بندی بلاذری در آثار به جا مانده از وی یافت نشد. این تقسیم‌بندی متأثر از تقسیمات کشوری ایران در عصر ساسانیان است.

۲. *معجم البلدان*، ج۲، ص۳۵۱.

۳. *المناقب* ابن شهر آشوب، ج۲: باب درجات أمیر المؤمنین﴿ع﴾، فصل «فی المسابقة بالاسلام».

۴. *رجال الطوسی*، ص۷۹.

۵. این ولایت اکنون با نام «اوراتپه» در کشور ازبکستان است. (*فرهنگ‌نامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران*، ص۲۶).

شهرهای: اربنجن،[۶] اشتیخن، دبوسیة[۷] و سمرقند بوده است) کشانیة، شاش یا چاچ[۸] (که خود دارای سه شهر اسفیجاب،[۹] ایلاق و شاش بوده است)، فرغانه، کش[۱۰] و نسف[۱۱].[۱۲]

دین و مذهب

پس از فتح کامل خراسان در سال ۳۱ هجری،[۱۳] همواره اکثریت مردم ماوراءالنهر را اهل سنت تشکیل می‌دادند. در سده دوم، در میان مردم بخارا تنی چند از راویان امام صادقؑ دیده می‌شود. غالب آنها از راویان اهل سنت هستند که شاگرد امام ششم نیز بوده‌اند. در طول پنج قرن نخست هجری، از هیچ کدام از شهرهای ماوراءالنهر به عنوان یک شهر شیعه‌نشین در گزارش‌های تاریخی یاد نشده است. و از وجود شیعیان ـ به صورت یک جمع مستقل ـ در این مناطق خبری نیست. تنها در اواخر سده سوم و ابتدای سده چهارم، مناطق سمرقند و کش شاهد جمع قابل توجهی از شیعیان است که در مجاورت اهل سنت زندگی می‌کردند. به نظر می‌رسد که تعداد شیعیان در عصر غیبت صغرا در این محدوده چشم‌گیر بوده است. چه اینکه از ناحیه مقدسه وکیلانی همچون جعفر بن معروف[۱۴] و علی بن الحسین مشهور به ابن ابی طاهر طبری[۱۵] در کش (و احیاناً سمرقند) مأمور بوده‌اند.

تاریخ حدیث ماوراءالنهر

منطقه ماوراءالنهر نقش بسزایی در شکل‌گیری و توسعه کیفی حدیث اهل سنت داشته است. در این منطقه بسیاری از عالمان و محدثان بزرگ عامه پرورش یافته و کتاب‌های مهمی در موضوع حدیث تدوین شده است. تدوین پنج کتاب از شش کتاب اصلی عامه، شکل‌گیری حوزه‌های حدیثی متعدد ایشان در جای جای خراسان قدیم و رفت و آمدهای مکرر حدیث‌پژوهان عامه به این سامان نشان از مرکزیت حدیث سنیان در منطقه خراسان و به ویژه ماوراءالنهر در سده‌های سوم و چهارم هجری داشته است.

شیعیان نیز در برهه‌هایی از پنج قرن نخست در مناطق مختلف ماوراءالنهر حضوری حاشیه‌ای داشته‌اند. اما این حضور اندک مانع از آن نشد که در حفظ و نشر عقاید خویش کوتاهی کنند. آنان حتی در بخارا و سمرقند به نسبت اندک بودنشان، حضوری پر رنگ و تقریباً پر هیاهو ـ به ویژه در سمرقند سده سوم و چهارم ـ داشته‌اند.

---

۶. این شهر اکنون با نام «ربنجن» در حوالی سمرقند از کشور ازبکستان است. (همان، ص۲۲).

۷. این شهر اکنون با نام «ضیاء الدین» در کشور ازبکستان است. (همان، ص۷۱).

۸. این ولایت ـ که عرب‌ها آن را این‌گونه می‌خواندند ـ همان شهر «تاشکند» پایتخت کشور ازبکستان است.(همان، ص۱۰۰).

۹. این شهر اکنون با نام «سیرام» در کشور قزاقستان است. (همان، ص۲۶).

۱۰. این ولایت اکنون با نام «شهر سبز» در کشور ازبکستان است. (همان، ص۱۲۲).

۱۱. این ولایت اکنون با نام «قرشی» در کشور ازبکستان است. (همان، ص۱۴۶).

۱۲. *ارباع خراسان الشهیرة*، ص۴۴۷ ـ ۵۵۶.

۱۳. احنف بن قیس در سال ۱۸ ق، بخش‌هایی از خراسان را فتح کرد، ولی مقاومت ساسانیان مانع از پیشروی بیشتر شد تا سرانجام، عبدالله بن عامر در سال ۳۱ ق، توانست کل خراسان را بدون خونریزی تسخیر نماید. (*معجم البلدان*، ج۲، ص۳۵۱ و ۳۵۲).

۱۴. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸، ش ۶۰۴۱.

۱۵. همان، ص۴۲۹، ش ۶۱۶۲.

این پژوهش بر آن است که تاریخ حدیث شیعه را در محدوده پنج قرن نخست هجری در منطقه ماوراءالنهر بررسی کند. برای این منظور مواردی که به بررسی تاریخی حدث ـ که همان دستیابی به فراز و نشیب‌های حدیثی در این منطقه است ـ را مورد مطالعه قرار داده و در شاخصه‌های اساسی تاریخ حدث جداگانه بیان خواهد شد. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: تعداد راویان، جلسات حدیثی، کتاب‌های حدیثی و موضوعات آنها، ارتباط با دیگر حوزه‌های حدیثی و نحوه تعامل حدیثی با اهل سنت منطقه.

از آنجا که منطقه خراسان در شرق بلاد اسلامی بسیار وسیع بوده و در دوره‌های مختلف نیز حکومت‌ها و اندیشه‌های گوناگون به خود دیده است در نحوه بررسی این شاخص‌ها عناصر زمان و محدوده جغرافیایی مورد توجه قرار گرفته است.

الف) تعداد محدثان ماوراءالنهر

راویان متعددی در پنج قرن نخست هجری در ماوراءالنهر برای حدیث شیعه سودمند بوده‌اند و با نشر روایات اهل بیت در آن سامان پاسداری از مکتب اهل بیت را رسالت اصلی خود می‌دانستند. اکثریت قریب به اتفاق ایشان از محدثان شیعی بوده‌اند هر چند در میان ایشان راویان سنی که انصاف را رعایت می‌کردند و فضایل اهل بیت را منتشر می‌ساختند هم دیده می‌شود. دانشیان شیعی با اعتماد به محدثان عالی مقام آن دیار برگ‌هایی درخشان را در تاریخ حدیث شیعه در دورترین بلاد اسلامی ورق زدند. از پژوهشی که در متون روایی و رجالی شیعه و سنی انجام شد، اسامی و نوع تلاش‌های حدیثی ۱۲۳ راوی حدیث شیعه تا سده پنجم در این منطقه کشف شد.[۱۶] در نوشتار پیش رو ضمن بر نمودن حضور راویان در جغرافیای زمان و مکان، خواننده در می‌یابد که شکوفایی تاریخ حدیث در این محدوده بیشتردر قرن چهارم و در رتبه بعد قرن سوم بوده است. همچنین بیشترین محدثان شیعه در شهرهای بخارا و سمرقند سکنی گزیده بودند. دقت در گزارش زیر می‌تواند مبنای تحلیل‌هایی دراز دامن باشد.

سده اول هجری

مجموع راویان سده نخست هجری در ماوراءالنهر، ۵ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۴ نفر راوی در سده اول با عنوان بخاری در کتب رجال ثبت شده‌اند که احتمالاً تصحیف در نسبت رخ داده و آنها النجاری بوده باشند، نه البخاری.[۱۷]

---

۱۶. تفصیل اسامی این محدثان به همراه معرفی زندگی‌نامه حدیثی ایشان در کتاب *تاریخ حدیث ماوراءالنهر و بلخ* به صورت مستقل به زودی منتشر خواهد شد.

۱۷. چه این که بخارا در روزگار پیامبر خدا هنوز فتح نشده بود. همچنین نجاری به افرادی می‌گفتند که یکی از این سه حالت را دارا بوده‌اند:

الف) منسوب به تیره‌ای از قبیله خزرج؛

ب) منسوب به محله‌ای در کوفه که بنو نجار در آنجا ساکن بوده‌اند؛

ج) منسوب به مذهب گروهی از معتزله که به آنها نجاریه گفته می‌شود؛

به نظر می‌رسد این افراد منسوبان به قبیله خزرج بوده باشند.

سمرقند: یک راوی؛ او قثم بن عباس بن عبدالمطلب قرشی هاشمی،[18] صحابی پیامبر خدا و راوی[19] و از کارگزاران امام علی﵇ است.

سده دوم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده دوم هجری ۹ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۷ نفر راوی. شش نفر از ایشان از اصحاب امام صادق﵇ هستند.

فرغانه: ۱ راوی. او محمد بن إسماعیل بن جعفر مشهور به مکتوم نوه امام صادق﵇ (۱۳۱ـ ۱۹۸ ق) است که گفته شده سال‌های پیانی عمرش را در فرغانه یا نیشابور سپری کرده است.[20]

نَسَف (نخشب): ۱ راوی. ابو اسحاق نسفی؛[21] که استاد أبوحمزهٔ ثمالی (ثابت بن دینار) است.

سده سوم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده سوم هجری ۳۲ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۷ راوی.

سمرقند: ۱۲ راوی. که مشهورترین و پرکارترین ایشان حسین بن إشکیب (ابو عبدالله) مروزی قمی از أصحاب امام هادی و امام عسکری﵇ است.[22]

شاش (چاچ): ۲ راوی. به نام‌های أحمد بن یوسف شاشی[23] (استاد کلینی) و محمد بن یوسف شاشی[24] (هر دو راوی احادیث مهدویت بوده‌اند).

کَش: ۱۱ راوی. این راویان از اساتید عیاشی و کشی بوده‌اند و از آنجا که این دو تن هم طبقه با کلینی (م ۳۲۹ ق) هستند، می‌توان احتمال داد که بیشتر اساتید ایشان در سال‌های پایانی سده سوم زندگی می‌کرده‌اند. تنی چند از مشاهیر راویان شیعه کش در این دوره عبارت‌اند از: ابراهیم بن نصیر کشی[25] ـ دانشمند ثقه و محدث پر روایت شهر کش ـ جعفر بن معروف کشی[26] (أبو محمد) ـ راوی، عابد و وکیل از جانب امامان در شهر کش ـ حمدویة بن نصیر کشی[27] ـ محدث مورد اعتماد ـ و محمد بن نصیر[28] ـ راوی ثقه، جلیل القدر و کثیر العلم شهر کش.

---

۱۸. *المناقب* ابن شهر آشوب، الجزء ۲، باب درجات أمیرالمؤمنین﵇، فی فصل فی المسابقة بالاسلام.

۱۹. *رجال الطوسی*، ص۷۹.

۲۰. *الفائق فی رواة اصحاب الصادق*﵇، ج۳، ص۳۱.

۲۱. *تفسیر ابی حمزة الثمالی*، ص۲۷.

۲۲. *رجال الطوسی*، ص۳۹۸ و ۴۲۰.

۲۳. *الغیبة*، للطوسی، ص۴۱۵، ح۳۹۲.

۲۴. *الکافی*، ج۱، ص۵۱۹، ح۱۱.

۲۵. *رجال الطوسی*، ص۴۰۷، ش ۵۹۳۳.

۲۶. همان، ص۴۱۸.

۲۷. همان، ص۴۲۱، ش ۶۰۷۴.

۲۸. همان، ص۴۴۰، ش ۶۲۸۴.

سده چهارم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده چهارم هجری ۶۵ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

أُسرُوَشنَه (أُشرُوسَنَه): یک راوی: عمار بن حسین بن إسحاق مشهور به أسروشنی (استاد شیخ صدوق).[۲۹]

بخارا: ۲۱ راوی. دو تن از راویان مشهور بخارا در این دوران عبارت‌اند از: حسین بن علی بن محمد قمی، معروف به أبو علی بغدادی (استاد شیخ صدوق) از مرتبطین با حسین بن روح،[۳۰] نایب امام عصر ﷺ، شیخ نجم الدین أبو سعید محمد بن حسن بن محمد بن أحمد بن علی بن الصلت قمی[۳۱] از دانشمندان معاصر شیخ صدوق در بخارا.

حضور شیعه و محدثان شیعی در بخارا سبب شد که در همین دوران حدیث جوی پر سفری همچون أبو مفضل شیبانی[۳۲] ـ از راویان پر حدیث شیعه[۳۳] ـ را به بخارا فرا خواند.[۳۴]

صُغد (شهری بین بخارا و سمرقند): یک راوی: أحمد بن محمد بن عبدالله صغدی، استادِ مشایخ صدوق.[۳۵]

سمرقند و کَش: ۱۹ راوی. در میان این افراد حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی[۳۶] محدث پر کار شیعی، محمد بن مسعود عیاشی[۳۷] دانشمند بزرگ شیعه و فرزندش جعفر بن محمد بن مسعود[۳۸] (ابن العیاشی)[۳۹] و محمد بن عمر بن عبدالعزیز (ابو عمرو کشی) نویسنده کتاب مشهور *الرجال* به چشم می‌خورد.

شاش (چاچ): ۵ راوی. بکر بن علی بن محمد بن فضل شاشی حاکم یکی از ایشان است که صدوق از او در همین منطقه روایت مشهور کمیل بن زیاد را شنیده است.

ایلاق: ۷ راوی. شیخ صدوق و ۶ راوی دیگر در منطقه ایلاق را می‌توان از محدثان آن سامان دانست. گفتنی است پنج نفر از ایشان از اساتید صدوق و یک نفر دیگر شاگرد صدوق بوده است. مهم‌ترین فرد در میان مشایخ صدوق جعفر بن علی بن احمد از فقهای قمی است که در ایلاق سکونت گزیده بود.

فَرْغانَه: ۱۰ راوی. که از میان ایشان هفت نفر، از مشایخ حدیث شیخ صدوق بوده‌اند.

---

۲۹. *کمال الدین و تمام النعمة*، ص۴۷۲ ـ ۴۷۳.

۳۰. همان، ص۵۱۸ ـ ۵۱۹.

۳۱. همان، ص۲ ـ ۳.

۳۲. *رجال النجاشی*، ص۳۵۶، ش ۱۰۵۹.

۳۳. *فهرست الطوسی*، ص۴۱۱، ش ۶۱۱

۳۴. *کفایة الاثر*، ص۹۰.

۳۵. *رجال الطوسی*، ص۴۲۰.

۳۶. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰.

۳۷. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸.

۳۸. *کمال الدین و تمام النعمة*، ص۲۹۲.

۳۹. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸، ش ۶۰۳۶

أخسیکث (أخسیکت) ـ از توابع فرغانه ـ: ۱ راوی. او محمد بن جعفر بندار فقیه[۴۰] و استاد شیخ صدوق.

سده پنجم هجری

مجموع راویان ماوراءالنهر در سده پنجم هجری ۱۲ نفر هستند که به تفکیک شهرهایشان عبارت‌اند از:

بخارا: ۵ راوی.

سمرقند: ۲ راوی.

نَسَف (نخشب): ۵ راوی. که دو تن از ایشان عبارت‌اند از: آدم بن یونس نسفی،[۴۱] فقیه و محدث إمامیه که شاگرد شیخ طوسی بوده است. همچنین شیخ محمد بن عبدالملک تُبَان[۴۲] از عالمان شیعه ساکن در روستای تبان از توابع نسف و از شاگردان سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ ق).

راویانی که تاریخ حیاتشان کشف نشد

همچنین نام چهار راوی نیز در دست است که محدوده تاریخ حیات ایشان کشف نشد. سه تن از ایشان از اهالی سمرقند بوده و یک تن دیگر از اهالی شاش بوده است. بی‌تردید این افراد پیش از قرن پنجم بوده‌اند؛ چه این که اسامی آنها در کتب رجال سده پنجم آمده است. به عنوان نمونه علیم بن محمد (ابو سلمة بکری شاشی) را نجاشی از نویسندگان و راویانی بر می‌نمایاند که کتابی با عنوان *التوحید* در کلام نگاشته بوده است. این کتار با دانشیان شیعی در بغداد ندیده‌اند اما نام آن را نجاشی در کتاب‌های فهارس ملاحظه کرده است.[۴۳]

ب) جلسات حدیثی

ماوراءالنهر در سده اول هجری، مانند بسیاری دیگر از مناطق اسلامی، فاقد جلسات حدیثی و آثار روایی است. همین‌طور در این مناطق مردم هنوز با مسایل فقهی، کلامی و تاریخی اسلام چندان آشنا نشده‌اند. طبیعی است که تقسیم‌بندی شیعی (علوی) و عثمانی که در آن روزگار در برخی از مناطق مرکزی بلاد اسلامی وجود داشت، هنوز به این مناطق راه نیافته باشد.

تنها شهرهایی که حلقه‌های حدیثی شیعه در سده‌هایی وجود داشته است شهرهای کش، سمرقند، ایلاق، فرغانه و بخارا بوده‌اند. در برخی از این شهرها ـ مانند سمرقند و کش ـ این جلسات بسیار گسترده بوده و در برخی دیگر ـ مانند بخارا ـ جلسات بسیار محدود و ناچیز بوده است.

بخارا: گزارش‌ها حاکی از برپایی دستِ کم جلسات پنج استاد حدیث و راوی متونِ شیعی در قرن‌های

---

۴۰. *الخصال*، ص۲۸.

۴۱. *فهرست منتجب الدین*، ص۶، ش ۳۴.

۴۲. *رجال النجاشی*، ص۴۰۳، ش ۱۰۶۹.

۴۳. همان، ص۳۰۴، ش ۸۲۹.

چهارم و پنجم هجری در بخارا است. اساتید حدیث در این جلسات عبارت‌اند از: ابراهیم بن محمد بخاری، حسین بن علی بن زکریا،[۴۴] خلف بن محمد ابن إسماعیل خیام بخاری،[۴۵] عصمة بن أبی عصمة بخاری[۴۶] و محمد بن اسماعیل بَرّانی[۴۷] ـ ساکن بَرّان آبادی‌ای در حوالی بخارا.

ابراهیم بن محمد به سال ۳۹۷ق[۴۸] و محمد بن اسماعیل در قرن پنجم،[۴۹] کتاب مسند الرضا[۵۰] را برای شاگردان خود قرائت کرده‌اند. ابو مفضل شیبانی ـ استاد شیخ مفید و حسین بن عبید الله غضائری ـ که یک راوی پر مسافرت شیعی است و به حق تمام عمرش را در طلب حدیث به شهرهای مختلف سفر کرده[۵۱] نقل می‌کند: در چهارشنبه‌ای که همزمان با عاشورا بوده است از حسین بن علی بن زکریا ـ از محدثان شیعی بخارا ـ در بخارا روایت نبوی: الائمة بعدی اثنی عشر... و کلهم من قریش را شنیده و در همان جا نگاشته است.[۵۲] این مطلب نیز می‌تواند بیانگر جلسات حدیث ـ هر چند محدود ـ در بخارا بوده باشد.

سمرقند و کش: جلسات حدیثی متعددی در سده‌های سوم و چهارم هجری در شهرهای سمرقند و کش برپا شده و خوشبختانه بخش‌هایی از متون روایی این جلسات تاکنون باقی مانده است.

سده سوم هجری

در این دوران دانشمندانی چون حسین بن اشکیب مروزی،[۵۳] جعفر بن أحمد بن أیوب سمرقندی[۵۴] ـ از محدثان و متکلمان[۵۵] شیعی[۵۶] ـ و جعفر بن معروف سمرقندی[۵۷] در مناطق سمرقند یا کش جلسات حدیثی دایر کرده‌اند. محمد بن مسعود عیاشی شاگرد هر سه نفر ایشان بوده و روایات و کتب متعدد حدیثی را از ایشان شنیده است.

حسین بن اشکیب مروزی از شخصیت‌های بزرگ شیعه است که، صحیفه را در سمرقند روایت کرده و احادیث بسیاری را به شاگردانش آموخته است. او کثیر الوایه و صاحب تألیفات بسیاری بوده است.

۴۴. *کفایة الاثر*، ص۹۰.

۴۵. *علل الشرایع*، ج۱، ص۴۳، ح۳.

۴۶. *کتاب سلیم بن قیس*، ص۸۷ ـ ۸۸.

۴۷. *مسند الرضا*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۴۸. همان، ص۱۹.

۴۹. محمد بن اسماعیل و فرزندش محمود، و نوه‌اش سهل (م ۵۲۴ ق)، هر سه از راویان احادیث امام رضا در کتاب *مسند الرضا* هستند (*مسند الرضا*، ص۴۴ ـ ۴۵).

۵۰. اثر داود بن سلیمان غازی.

۵۱. *رجال النجاشی*، ص۳۵۶، ش ۱۰۵۹.

۵۲. *کفایة الاثر*، ص۹۰.

۵۳. *رجال النجاشی*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۵۴. *معجم رجال الحدیث*، ج۵، ص۱۷ ـ ۱۸.

۵۵. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸.

۵۶. *رجال ابن داود*، ص۶۲

۵۷. *أعیان الشیعة*، ج۴، ص۱۸۷؛ *خلاصة الأقوال*، ص۳۳۱.

از جمله شاگردهای وی، محمد بن وارث سمرقندی ـ از محدثان و راویان کتب حدیث ـ است.[۵۸] وی کتاب‌های حدیثی متعددی را روایت کرده است که برخی از آنها از حسین بن اشکیب است که عبارت‌اند از: صحیفه سجادیه،[۵۹] کتاب الرد علی من زعم أن النبیﷺ کان علی دین قومه، کتاب الرد علی الزیدیة و کتاب النوادر.[۶۰]

سده چهارم هجری

در این قرن بیشتری جلسات حدیثی را در سمرقند و کش شاهد هستیم. منزل عیاشی مهم‌ترین مرکز این جلسات و سپس مساجد سمرقند مکه همگی محل تدریس روایات و علوم اهل بیت بوده است. با کلاس‌های درس هفت تن از اساتید این دیار آشنا می‌شویم:

۱. جلسات حدیثی محمد بن مسعود عیاشی: او خانه‌اش را تبدیل به مدرسه کرد.[۶۱] چنانچه ابوجعفر زاهد گوید: «و کانت داره کالمسجد بین ناسخ أو مقابل أو قارئ أو متعلق مملوءة من الناس».[۶۲] و نجاشی در توصیف خانه عیاشی می‌نویسد: کان مرتعا للشیعة و أهل العلم.[۶۳] گفتنی است که عیاشی با برپایی دو کلاس عمومی و اختصاصی[۶۴] سعی می‌کرد عوام و خواص شیعه را با آموزه‌های شیعی آشنا سازد.

پس از وی گروهی از شاگردانش که دست‌پرورده‌های ویژه او بوده ـ و به «غلمان عیاشی»[۶۵] شهره شده بودند ـ این جلسات را همچنان برپا داشتند. ابو عمرو کشی یکی از آنان است و رجال او بیانگر حضور ده‌ها استاد در منطقه کش و برپایی جلسات متعدد حدیث شیعه در ماوراءالنهر است. در این دوران ده‌ها کتاب حدیث در سمرقند نگاشته شد و یا قرائت آن در این شهر به وقوع پیوست.

این جلسات سبب شد تا بسیاری از عالمان شیعی از مراکز علمی آن روز نظیر قم رهسپار سمرقند شوند و از سوی دیگر در این مرکز علمی کلاس‌های متعددی دایر شد که طالبان علم و دانشجویان را به خود جلب می‌کرد.

۲. جلسات حیدر[۶۶] بن محمد بن نعیم سمرقندی (ابو احمد): او یک محدث پر کار شیعی در قرن چهارم است.[۶۷] حیدر بن محمد از شاگردان عیاشی است و تمام کتاب‌های او را پس از آن که بر مؤلف قرائت کرده برای روایت کرده است.[۶۸]

۵۸. *رجال النجاشی*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۵۹. *الصحیفة الثالثه*، ص۱۱، به نقل از *صحیفه سجادیه* به روایت حسین بن اشکیب، ص۵۰.

۶۰. *رجال النجاشی*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۶۱. *رجال ابن داود*، ص۱۸۴، ش ۱۵۰۲.

۶۲. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰ ـ ۳۵۳.

۶۳. همان، ص۳۷۲، ش ۱۰۱۸۵ در معرفی ابو عمرو کشی.

۶۴. *رجال الطوسی*، ص۴۴۰.

۶۵. این تعبیری است که طوسی در رجالش برای جمعی از شاگردان عیاشی به کار برده است.

۶۶. او را حیدر زنده نیز گفته‌اند. ر.ک: *معالم العلماء*، ص۸۱

۶۷. *رجال الطوسی*، ص۴۲۰. وی راوی کتاب‌های عیاشی و هزار کتاب و اصل از اصول امامیه بوده است.

۶۸. *فهرست الطوسی*، ص۱۲۰؛ *رجال النجاشی*، ص۳۵۰ ـ ۳۵۳، ش ۹۴۴. روایت تمام کتاب‌های عیاشی را توسط او دانسته است.

مظفر بن جعفر بن مظفر علوی[۶۹] (استاد شیخ صدوق) ـ از اهالی سمرقند ـ یکی از سه شاگرد مهم اوست، که در نقل کتاب‌های عیاشی به نسل بعد مؤثر بوده است.

۳. جلسات جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی (ابن العیاشی): او فرزند دانشمند بزرگ شیعه محمد بن مسعود عیاشی است. از آنجا که پدرش مؤلف ده‌ها کتاب روایی بود و در ماوراءالنهر بسیار شهرت داشت، عالمان شیعی برای فرا گرفتن این کتب نزد جعفر می‌رفتند و او کتب پدرش را تدریس و روایت می‌کرد. شیخ طوسی می‌نویسد: جعفر تمام کتاب‌های پدر را روایت کرده است و شاگردش أبو مفضل شیبانی توانسته تمام روایات آن کتاب‌ها را از جعفر روایت کند.[۷۰] جعفر بن محمد بن قولویه؛[۷۱] مظفر بن جعفر بن مظفر علوی[۷۲] و جعفر بن معروف کشی[۷۳] سه تن دیگر از شاگردان مهم او هستند. احتمالاً آنها نیز به صورت قرائت یا اجازه از وی نقل روایات پدرش کرده‌اند.

۴. جلسه عبدوس بن علی بن عباس جرجانی (أبو محمد): استاد شیخ صدوق (م ۳۸۱ هجری) است. صدوق در سفرش به سمرقند به منزل[۷۴] وی رفته و در جلسه یا جلساتی از او روایاتی را شنیده است.[۷۵] در کتاب‌های روایی شیخ صدوق روایات نبوی از وی گزارش شده است.

۵. جلسه عبدالصمد بن عبد الشهید أنصاری (أبو أسد): شیخ صدوق (م ۳۸۱ هجری) در جلسه درس او در سمرقند شرکت کرده است.[۷۶] صدوق عبارت «رضی الله عنه» را برای وی به کار برده است و برخی از این تعبیر وثاقت وی را برداشت کرده‌اند.[۷۷]

۶. جلسات ابراهیم بن نصیر کشی: از دانشمندان شیعی، مورد اعتماد و از محدثان پر روایت[۷۸] شهر کش و نویسنده یک اثر روایی است.[۷۹] در جلسات درس او ابو عمرو کشی و قاسم بن اسماعیل[۸۰] شرکت می‌کردند. کشی پنجاه و شش روایت از وی را در کتاب رجالش نقل کرده است.[۸۱] ابراهیم برادر حمدویة بن نصیر کشی از راویان کم نظیر و پر روایت در کش بوده است.[۸۲]

---

۶۹. *علل الشرایع*، ج۱، ص۲۴۵، ح۷.
۷۰. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸.
۷۱. *التهذیب*، الجزء ۴، باب کمیة الفطرة، الحدیث ۲۳۲.
۷۲. *علل الشرایع*، ج۱، ص۱۳۰.
۷۳. *تهذیب الاحکام*، ج۴، ص۸۱
۷۴. *الخصال*، ص۲۲۰،ح ۴۵.
۷۵. ر.ک: *الخصال*، ص۲۲۰،ح ۴۵، ص۴۵، ح۴۲ و ص۳۱۵، ح۹۷؛ *فضائل الاشهر الثلاثه*، ص۶۵ ح۴۷ و ص۱۳۳، ح۱۴۲ و ح۱۴۳.
۷۶. *عیون أخبار الرضا*، ص۱۲، ح۲۲.
۷۷. *طرائف المقال*، ج۱، ص۱۷۳.
۷۸. *رجال الطوسی*، ص۴۰۷، ش ۵۹۳۳.
۷۹. *فهرست الطوسی*، ص۴۵، ش ۲۸.
۸۰. همان.
۸۱. *بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه*، ص۳۷۶.
۸۲. *تهذیب المقال*، ج۱، ص۳۷۲.

۷. جلسات حمدویة بن نصیر کشی: دانشمند مورد اعتماد شیعی[۸۳] در کش و از اساتید مشترک عیاشی و کشی است. نامش در اسناد بسیاری از روایات رجال کشی مشاهده می‌شود.[۸۴]

از آنجا که حمدویه در کش می‌زیسته و کشی نیز تمام عمرش را در آن منطقه سپری کرده و از سوی دیگر به تعبیر طوسی حمدویه فردی «مورد اعتماد، بی‌نظیر در زمان خودش، پر روایت و کثیر العلم» بوده است[۸۵] بنابراین طبیعی است که انتقال این روایات به شاگردان یا از طریق جلسات حدیثی بوده و یا نهایتاً به صورت اجازه بوده است.

به نظر می‌رسد در کش و سمرقند جلسات متعدد دیگری نیز وجود داشته که با بررسی‌های بیشتر می‌توان به آنها ظفر یافت. اگر تنها مشایخ کشی در رجالش را برشماریم و بر این باور باشیم که کشی در جلسات درس آن روایات را فرا گرفته است، شمار جلسات حدیثی افزون بر ۵۰ جلسه خواهد شد.

گذشته از این، رجالیان شماری از راویان ساکن کش را کثیرالروایة خوانده‌اند. طبیعی است که بارزترین شیوه انتقال روایت در گذشته جلسات حدیث بوده است. به عنوان نمونه جبریل بن أحمد فاریابی[۸۶] و علی بن محمد بن فیروزان[۸۷] از جمله کسانی هستند که افتخار کثیر الروایه بودن را دارند. در توصیف جبریل بن احمد آمده است: کان مقیما بکش کثیر الروایة عن العلماء بالعراق و قم و خراسان. این گزاره می‌تواند بر جلسات او نیز دلالت کند.

ایلاق: در ایلاق جلسات حدیثی متعددی برگزار می‌شده است. این جلسات نوعاً در سده چهارم هجری بوده است. به برخی از مشایخ این جلسات اشاره می‌کنیم:

الف) جعفر بن علی بن أحمد قمی ایلاقی (أبو محمد) جعفر بن علی بن احمد از فقهای قمی است که در ایلاق سکونت گزیده بود. او دانشمندی ثقه[۸۸] و از مشایخ اجازه[۸۹] به شمار می‌رفت شیخ طوسی او را معروف به ابن رازی دانسته و در شمار راویان با واسطه از معصومان آورده است.[۹۰] جعفر بن علی قمی ایلاقی استاد حدیث شیخ صدوق است و صدوق از او با عبارت رضی الله عنه یاد می‌کرد.[۹۱] در کتاب‌های صدوق به محل تحمل حدیث صدوق از وی اشاره‌ای نشده است، ولی از آنجا که سکونت وی ایلاق بوده و صدوق هم از او روایت کرده است و همچنین خود جعفر نیز صاحب کتاب و در شمار مشایخ اجازه بوده است، احتمال دارد که صدوق به صورت دریافت اجازه، از وی نقل کرده است و در جلسه حدیثی وی حضور نداشته است.

---

۸۳. *رجال الطوسی*، ص۴۲۱، ش ۶۰۷۴.

۸۴. *بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه*، ص۳۷۶.

۸۵. *رجال الطوسی*، ص۴۲۱، ش ۶۰۷۴.

۸۶. همان، ص۴۱۸، ش ۶۰۴۲.

۸۷. همان، ص۴۲۹، ش ۶۱۶۴.

۸۸. *رجال ابن داود*، ص۸۶، ش ۳۱۲.

۸۹. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۲، ص۱۷۲.

۹۰. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸، ش ۶۰۳۶.

۹۱. *التوحید*، ص۴۱۷ ـ ۴۱۸.

ب) جلسات حدیثی مشایخ صدوق: صدوق در مدت اقامتش در جلسات حدیثی گروهی از اساتید ایلاق شرکت کرده و حدیث شنیده است. مذهب این مشایخ چندان روشن نیست؛ هر چند می‌توان گمانه‌هایی را درباره ایشان بررسی کرد. اساتید جلسات حدیث صدوق در ایلاق عبارت‌اند از: شیخ أبو الحسن محمد بن عمرو بن علی بن عبدالله البصری،[92] شیخ أبو نصر محمد بن حسن بن إبراهیم کرخی کاتب،[93] شیخ أبو محمد بکر بن علی بن محمد بن فضل حنفی شاشی حاکم،[94] و شیخ أبو الحسن علی بن عبدالله بن أحمد أسواری.[95]

ج) جلسات حدیثی شیخ صدوق: ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه معروف به شیخ صدوق حداقل چهار سال متوالی (۳۶۸ـ۳۷۲ ق) در منطقه ایلاق ماندگار بوده است. در این مدت گذشته از تألیف اثر مهم «*کتاب من لا یحضره الفقیه*»، جلسات متعددی را نیز برپا کرده است و در جلسات حدیثی برخی از اساتید حدیث آن سامان شرکت کرده است.

عالم برجسته ایلاق و بزرگ سادات علوی یعنی أبو عبدالله محمد بن حسن موسوی معروف به نعمت برای استفاده از شیخ صدوق نزد ایشان آمده است.[96] ابو عبدالله نعمت دانشمند شیعی مقیم ایلاق، طراح و درخواست‌کننده *الشرایع کتاب من لا یحضره الفقیه* به شیخ صدوق است. او توانسته بیشتر کتاب‌های صدوق را ـ که تا آن زمان حدود ۲۴۵ اثر بوده ـ هم نسخه‌برداری کند و هم از خود مؤلف به طریق سماع، به مطالب کتاب‌ها واقف گردد. در پایان یکی از نسخ خطی *کتاب من لا یحضره الفقیه* چنین آمده است:

> **یقول محمد بن علي بن [الحسین بن] موسي بن بابویه القمي مصنف هذا الکتاب: قد سمع السید الفاضل أبو عبدالله محمد بن الحسن العلوي الموسوي المدیني المعروف بنعمة أدام الله تأییده و توفیقه و تسدیده هذا الکتاب من أوله إلي آخره بقراءتي علیه، ورویته عن مشایخي المذکورین وذلك بأرض بلخ من ناحیة إیلاق، و کتبت بخطي حامدا لله و شاکردا وعلي محمد وآله مصلیا و مسلما، آمین یا رب العالمین.**[97]

اتمام این قرائت در تاریخ ذیقعده سال ۳۷۲ ق در ایلاق بوده است.[98]

فرغانة: در این شهر نیز جلسات متعدد حدیثی برپا بوده است. صدوق در پنج جلسه از این جلسات شرکت کرده است:

---

۹۲. *الخصال*، ص۲۰۸ ـ ۲۰۹.

۹۳. *عیون أخبار الرضا* ﷺ، ج۱، ص۱۵۵ ـ ۱۵۶.

۹۴. *کمال الدین و تمام النعمة*، ص۲۹۲.

۹۵. همان، ص۲۹۲ ـ ۲۹۳.

۹۶. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص۲ ـ ۳.

۹۷. همان، ج۴، ص۵۳۸ ـ ۵۳۹.

۹۸. همان.

الف) جلسات مشایخ صدوق: شیخ صدوق در این شهر در جلسات حدیثی این راویان شرکت کرده است: تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی،[۹۹] شیخ أبو أحمد محمد بن جعفر بندار شافعی فرغانی،[۱۰۰] شیخ إسماعیل بن منصور بن أحمد قصارو شیخ أبو محمد محمد بن أبی عبدالله شافعی، محمد بن عبدالله بن محمد بن طیفور دامغانی (أبو جعفر).[۱۰۱]

برخی از این جلسات در حومه و یا شهرهای توابع فرغانه بر پا می‌شده به عنوان نمونه محمد بن جعفر بندار فقیه و ساکن اخسیکث بوده[۱۰۲] و سماع حدیث صدوق نیز در اخسیکث بوده است.

ب) ابونصر منصور بن محمد حربی، محدث، فاضل، قاضی و حاکم دعاوی در فرغانه بوده است. وی شاگرد ابن عقدة (م ۳۳۳ ق) است و در کوفه از او حدیث شنیده است.[۱۰۳] از آنجا که وی کتاب روایی در فضایل امام علی نگاشته و در همان دوران (۱۲ جمادی الاولی سال ۳۷۲ ق)[۱۰۴]؛ در فرغانه[۱۰۵] استنساخ شده است، احتمال برپایی جلسات تدریس کتاب توسط وی بسیار زیاد است؛ چه اینکه شیوه قدما بیشتر چنین بوده است.



در پژوهش انجام شده روشن شد که بیشترین جلسات حدیثی در سده چهارم و در منطقه سمرقند و کش بوده است. هر چند در سده سوم نیز در گوشه و کنار ماوراءالنهر جلسات برپا بوده است. آنچه روشن است در سده پنجم خبری از جلسات حدیثی نیست. تنها در بخارا ـ بسیار محدود ـ جلساتی برپا بوده که در شیعی بودن اساتید آن نیز تردید وجود دارد.

ج) کتاب‌های حدیثی ماوراءالنهر

محدثان و راویان شیعی در محدوده ماوراءالنهر کتاب‌های متعددی نگاشته‌اند شمار آثاری که در این منطقه نگاشته شده نسبت به مراکز حدیثی قم، بغداد و کوفه بسیار کمتر است. اندک بودن این نگارش‌ها به دلایلی چون اندک بودن شیعه و عالمان آنها در این منطقه و همچنین دوری از مراکز علم بوده است. مجاورت با مراکز حدیث عامه (بخارا و نیشابور) و چه بسا مساله تقیه نیز در کاستی نویسندگان بی‌اثر نبوده باشد.

در یک گزارش گذرا می‌توان گفت که در سده دوم هجری در این منطقه هیچ اثر روایی از عالمان شیعی تدوین نشده است. تنها دو تن از شاگردان امام صادق که در بخارا و یا اصالتاً بخارایی بوده‌اند

---

۹۹. *التوحید*، ص۳۵۳.

۱۰۰. *الخصال*، ص۲۸، ۵۱، ۳۴۵.

۱۰۱. *علل الشرایع*، ج۱، ص۶۳ ح۲.

۱۰۲. *الخصال*، ص۱۷۷، ح۲۳۶.

۱۰۳. *الیقین*، ص۱۷۰ ـ ۱۷۲.

۱۰۴. همان، ص۱۷۰.

۱۰۵. همان.

کتاب‌هایی را نگاشته‌اند. این دو نیز اگرچه افرادی ثقه و مورد توجه شیعه بوده‌اند اما از جهت مذهب سنی بوده‌اند. آثار یکی از این افراد (إسحاق بن بشر أبو حذیفة کاهلی خراسانی[۱۰۶]) کتاب‌هایی در موضوع تاریخ و اخبار است که عبارت‌اند از: *المبتدأ، الردة، صفین، الفتوح، الجمل و الألویة.*[۱۰۷] و از نام کتاب راوی دیگر (یزید بن هارون بن زاذان بن ثابت[۱۰۸]) نیز اطلاع نداریم.

در سده سوم هجری تنها در محدوده سمرقند پنج مؤلف شیعی حضور داشته‌اند و در دیگر شهرها خبری از نویسندگان شیعی نیست. دو تن از این نویسندگان مشهور به کثرت نگارش هستند، اما حافظه تاریخ حتی اسامی آثار آنها را نیز از خاطر برده است. این دو تن عبارت‌اند از: فتح بن قرة سمرقندی،[۱۰۹] و جعفر بن أحمد بن أیوب سمرقندی (ابو سعید):[۱۱۰]

تنها نام شش اثر از آثار این پنج نویسنده سمرقندی باقی مانده است. نکته جالی که در اسامی آثار باقی مانده مشاهده می‌شود، آن است که دو تن از ایشان کتابی با عنوان کتاب *الرد علي من زعم أن النبي‌ﷺ کان علي دین قومه قبل النبوة*[۱۱۱] نگاشته‌اند که بیانگر نیاز جامعه و احتمالاً دفع یک شبهه عمومی بوده است. سرآمد نویسندگان این دوران متکلم و محدث مشهور آن سامان حسین بن اشکیب مروزی[۱۱۲] است. اسامی آثار دیگر این دوره عبارت‌اند از: *کتاب الرد علي الزیدیة، کتاب النوادر*[۱۱۳] و کتاب *مداواة الجسد لحیاة الأبد.*[۱۱۴] همچنین روایت *صحیفه سجادیه* نیز در همین دوران توسط حسین بن اشکیب انجام شده است.[۱۱۵]

در سده چهارم هجری یک خیزش عمومی در تمام بلاد اسلامی در زمینه تدوین حدیث به چشم می‌خورد. ماوراءالنهر نیز از این خیزش بی‌بهره نیست. نزدیک به ده نفر از محدثان در این دوره در محدوده ماوراءالنهر قلم به دست گرفته و آثاری را تدوین کرده‌اند.

در این سده در بخارا یک نفر (إسماعیل بن جعفر بن أبي خصفة بخاری، راوی نسخه‌ای کهن از عبید الله بن حر جعفی از أمیرالمؤمنین‌ؑ[۱۱۶])، در ایلاق و فرغانه در هر کدام دو نفر نویسنده و در سمرقند و کش چهار نفر، نویسنده شیعی حضور دارند.

---

۱۰۶. *رجال الطوسی*، ص۱۶۲، ش ۱۷۱؛ *رجال النجاشی*، ص۷۲، ش ۱۸۳۳.
۱۰۷. *الفائق في رواة و أصحاب الإمام الصادق*ؑ، ج۱، ص۱۳۴، ش ۱۳۵.
۱۰۸. همان، ج۳، ص۴۵۳، ش ۳۶۸۸.
۱۰۹. *تاریخ بغداد*، ج۱۲، ص۳۸۴، ش ۶۸۴۴
۱۱۰. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸؛ *رجال ابن داود*، ص۶۲
۱۱۱. *رجال النجاشی*، ص۴۴ و ۴۵ و ۱۲۱.
۱۱۲. همان، ص۴۴ و ۴۵.
۱۱۳. همان، ص۴۴ ـ ۴۵.
۱۱۴. *فهرست الطوسی*، ص۲۷۰.
۱۱۵. افندی می‌نویسد: از نسخه عتیقه‌ای از صحیفه به روایت محمد بن وارث از حسین بن اشکیب و به خط ابن مقله، خطاط نامدار عصر عباسی آگاه شدم... (*الصحیفة الثالثه*، ص۱۱، به نقل از *صحیفه سجادیه*، به روایت حسین بن اشکیب، ص۵۰).
۱۱۶. *رجال النجاشی*، ص۹، ش ۶

۱. نشاط علمی بسیار مضاعفی در سمرقند و کش وجود داشته، اگرچه نویسندگان زیادی ندارند؛ اما بزرگ‌ترین نویسنده در این دوران ـ که اصالتاً اهل این حوزه بود ـ جناب عیاشی است. او با نگارش دویست کتاب[۱۱۷] و تربیت شاگردان متعدد در این منطقه انقلابی علمی در جهت نشر علوم اهل بیت ایجاد ایجاد کرد. این فضاهای مثبت سبب شد که صدوق نیز بخشی از عمرش را در این دوران در محدوده ایلاق بگذراند و *کتاب من لا یحضره الفقیه* را در طول چهار سال در ماوراءالنهر تدوین کند.[۱۱۸] دو تن دیگر از مؤلفان پر کار ماوراءالنهر در این دوره جعفر بن علی بن احمد قمی ایلاقی[۱۱۹] (به نقل سید بن طاووس از فهرست کراجکی او از نویسندگان بزرگ ری و قم بوده و دویست و بیست کتاب روایی نگاشته بوده است)[۱۲۰] و حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی هستند که آثار بسیاری را خلق کرده‌اند. حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی، مؤلف کتاب فهرست آثار عیاشی،[۱۲۱] و راوی بسیاری از کتاب‌ها و اصول روایی شیعه که بالغ بر هزار کتاب و اصل بوده است.[۱۲۲]

نویسندگان دیگری نیز در این دوران در منطقه ماوراءالنهر حضور داشته‌اند که چون آثار آنها اندک است، بدان اشاره نشد.[۱۲۳]

گذشته از روایات بر جا مانده از نویسندگان ماوراءالنهر در جوامع حدیثی، چند اثر روایی نیز خوشبختانه به دست ما رسیده که عبارت‌اند از: *تفسیر العیاشی* (۲ جلد)، *رجال الکشی*، *کتاب من لا یحضره الفقیه* و مجموعه‌ای از آثار جعفر بن علی بن احمد قمی مانند *جامع الأحادیث*، *المسلسلات الأعمال*، *العروس في خصائص و آداب الجمعة*، *کتاب فضل الجمعة*، *کتاب الغایات*، *کتاب دفن المیت*، *المنبي عن زهد النبي* صلی الله علیه و آله، *کتاب أدب الإمام و المأموم*.

به طور کلی در این دوره محدثان این سامان ده‌ها اثر روایی را تدوین کردند که در هیچ دوره‌ای ـ نه قبل و نه بعد ـ چنین شکوفایی در تاریخ حدیث این منطقه دیده نمی‌شود. موضوعات این کتاب‌ها اگر چه بسیار متنوع است، اما بیشترین موضوعات در فقه و کلام بوده است.

---

۱۱۷. ابن ندیم ۱۷۵ کتاب او را نام می‌برد و در پایان می‌نویسد: کتاب‌های او دویست و هشت کتاب است و جمع‌کننده آنها بیست و هفت کتاب را پیدا نکرده است؛ (*الفهرست*، ص۲۷۵ ـ ۲۷۷)؛ نجاشی هم ۱۵۷ کتاب را به او منسوب دانسته (*رجال النجاشی*، ص۳۵۱ ـ ۳۵۳) و شیخ طوسی نوشته است: «له کتب کثیرة تزید علی مائتی مصنف» و از ۱۸۲ کتاب وی اسم برده است (*الفهرست*، ص۱۳۷ ـ ۱۳۹). محققان این کتاب ۱۹۵ عنوان کتاب را که فهارس‌نگاران به عیاشی نسبت داده‌اند در مقدمه یاد کرده‌اند (*تفسیر العیاشی*، مقدمه، ص۴۰ ـ ۴۵).

۱۱۸. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص۱۴.

۱۱۹. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸، ش ۶۰۳۶؛ *أعیان الشیعة*، ج۴، ص۸۲ ـ ۸۳.

۱۲۰. *أعیان الشیعة*، ج۴، ص۸۲ ـ ۸۳.

۱۲۱. *الفهرست*، ابن ندیم، ص۲۷۵ ـ ۲۷۷.

۱۲۲. *الفهرست*، طوسی، ص۱۲۰.

۱۲۳. به عنوان نمونه نصر بن صباح بلخی ـ استاد کشی ـ خود نویسنده چند اثر است که کتاب *معرفة الناقلین* و کتاب *فرق الشیعه* از جمله آثار اوست. (*رجال النجاشی*، ص۴۲۸، ش ۱۱۴۹).

در سده پنجم نگارش‌های حدیثی مجدداً رو به افول می‌گذارد. و آثار کمی توسط محدثان شیعی خراسان نگاشته می‌شود. شمار نویسندگان این دوره بالغ بر پنج نفر است. این محدثان برخاسته از سه شهر بخارا،[۱۲۴] سمرقند[۱۲۵] و نسف[۱۲۶] بوده‌اند. یکی از نویسندگان سمرقند در این دوره حسین بن حسن (حسین)[۱۲۷] بن خلف کاشغری[۱۲۸] (ابوعبدالله)، (م ۴۸۴) نویسنده بیش از یکصد و بیست اثر بوده است.[۱۲۹] کتاب *زین العابدین* او بعدها منبع سید ابن طاووس در تألیف *رسالة المواسعة و المضایقة في قضاء فوائت الصلاة* شد.[۱۳۰] اسامی چند اثرش چنین است: *کتاب الصلاة* و *کتاب المناجاة* و *کتاب الفکر و الصبر*.[۱۳۱]

د) تأثیرات اهل سنت

حضور پر رنگ اهل سنت در منطقه ماوراءالنهر تأثیرات متعددی بر محدثان شیعه داشته است. این تأثیرات در عرصه‌های مختلفی رخ نموده است: از شیوه‌های نگارش گرفته تا سماع حدیث. گاهی نیز دانشیان شیعی چنان به مبانی علمی اهل سنت مسلط می‌شدند که مانند فقیهان عامه برای اهل سنت فتوا صادر می‌کردند. ابونصر (احمد)[۱۳۲] بن یحیی فقیه و محدث شیعی سمرقند از جمله کسانی است که مرجع فقهی عامه و خاصه بوده است.[۱۳۳] برخی از تأثیرات حدیثی عامه را بر محدثان شیعی بر می‌شماریم.

شیوه تألیف

الف) سبک شناسی

محدثان شیعه در این مناطق نگارش‌هایی را شبیه به اهل سنت خلق کرده‌اند. کتاب *رجال الکشی* یکی ازاین نمونه‌هاست. در این کتاب برای معرفی هر راوی، روایات متعددی در مدح، ذم و گاه هم مدح و هم ذم آورده شده است. منش نویسنده در تمام کتاب پرهیز از اظهار نظر صریح درباره یک راوی است. چینش کتاب نیز به صورت طبقات است.

به نظر می‌رسد محمد بن عمروکشی نویسنده شیعی این اثر در تألیف به سبک طبقات اهل سنت عمل کرده باشد. چه این که شیوه‌کشی با سبک طبقات شیعه که پیش از او برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰)، ابن

۱۲۴. *مسند الرضا* ؊، ص۱۵۹، به نقل از *التدوین*، ج۲، ص۱۲۵؛ *فهرست الطوسی*، ص۲۶۸، ش ۸۲۵

۱۲۵. *الذریعه*، ج۱۵، ص۱۴۴، ش ۹۵۹؛ *أعیان الشیعة*، ج۵، ص۴۷۸.

۱۲۶. *رجال النجاشی*، ص۴۰۳، ش ۱۰۶۹.

۱۲۷. *المجتبی من دعاء المجتبی*، ص۸۸

۱۲۸. کاشغر در خراسان و نزدیک مرز چین بوده است.

۱۲۹. *الاعلام*، ج۲، ص۲۴۶.

۱۳۰. *أعیان الشیعة*، ج۵، ص۴۷۸.

۱۳۱. *لسان المیزان*، ج۲، ص۶۵

۱۳۲. شیخ طوسی می‌نویسد: ابونصر بن یحیی الفقیه من اهل سمرقند، ثقة خیر فاضل کان یفتی العامة بفتیاهم و الحشویة بفتیاهم و الشیعة بفتیاهم (*رجال الطوسی*، ص۴۵۱، ش ۶۴۰۲).

۱۳۳. *معجم رجال الحدیث*، ج۳، ص۱۵۹، ش.

عقده (م ۳۳۲ ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و اکثر رجالیان کهن شیعی، نگاشته‌اند کاملاً متفاوت است. آنان تنها به تعیین مقطع زمانی راوی اکتفا کرده‌اند، ولی کشی مجموعه‌ای از روایات درباره یک مفرد رجالی را آورده است.

اگر کتاب *رجال الکشی* و *الطبقات الکبری*، اثر محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق) را با یکدیگر مقایسه کنیم، شباهت‌های بسیاری را در می‌یابیم. نقل روایات، ترتیب زمانی، پرهیز از اظهارنظرها و... از این‌گونه شباهت‌ها هستند.

مطلب آخر این که مشابه سبک *رجال الکشی* در هیچ یک از کتاب‌های رجالی شیعه مشاهده نمی‌شود. چه این که سبک‌هایی همچون فهرست‌نگاری (مانند *الفهرست* طوسی و *رجال النجاشی*)، طبقات، جرح و تعدیل و... همانند این کتاب نیست. اگرچه این کتاب منبعی برای کتاب‌های رجال بعدی بوده است، اما پیرو هیچ یک از سبک‌های پیشین رجالی نیست.

ب) جهت‌گیری‌های معتدلانه

برداشت‌های غالیانه در این مناطق تقریباً وجود ندارد؛ چه این که اکثریت مردم مناطق ماوراءالنهر اهل سنت بوده و شیعه همواره در اقلیت بوده است. گروه‌هایی که در مناطقی در اقلیت و مخالف اندیشه و نگاه اکثریت هستند، دارای ویژگی‌های متعددی هستند؛ از آن جمله تحفظ شدید بر گروه خود و مشابه‌سازی اندیشه‌های درونی با جهت‌گیری‌های درون گروهی است. عالمان شیعی در این مناطق همواره به دنبال نمایان ساختن اندیشه صحیح شیعه بدون زواید و مواردی است که سبب خرده‌گیری‌های مخالفان گردد. ارائه تفکر شیعی در این مناطق خود دشوار است و یقیناً ارائه یک اندیشه تندرو و غالی‌گرانه محکوم به شکست است.

راویان باید مطلب متقن و مستدل شیعی را بیشتر منتشر سازند تا علاقه‌مندان را بتوانند به راحتی مجاب کنند. اسامی افراد غالی نیز در میان راویان این خطه چندان نمود ندارد.

روایات موجود در کتاب *التفسیر* اثر عیاشی ـ از مهم‌ترین متون باقی‌مانده از ماوراءالنهر ـ گویای توجه عالمان آن دیار در جهت‌گیری‌های معتدلانه است. به نظر می‌رسد که مبنای عیاشی این بوده که از بیان روایات تند علیه عامه و یا بعضی از صحابه خودداری کند. شیعه‌ای را که او در سمرقند ترویج کرده یک اندیشه کامل همراه با اعتدال و مدارا با دیگر مذاهب اسلامی بوده است. او در عین حال از مسلمات شیعی یک قدم عقب ننشسته و فقه و اندیشه کلامی شیعه در حقانیت امامت ائمه را به نیکی تبیین کرده است.[۱۳۴]

هـ) گردآوری روایات عامه

گزارشی در دست است که بیانگر تدوین متونی با استفاده از مجموعه روایات عامه در ماوراءالنهر است. در این گزارش عیاشی تنها با روایات عامه متونی را در تاریخ و سیره خلفا (ابوبکر، عمر و عثمان) نگاشته

۱۳۴. این نکته پس از بررسی تطبیقی بین کتاب *تفسیر العیاشی* و *تفسیر الفرات* در نمونه‌های متعدد حاصل شده است.

است. درست معلوم نیست که این‌گونه آثار در جهت وحدت و برای ابراز نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بوده است و یا اینکه با استفاده از آثار روایی عامه عیاشی با رویکردی متفاوت به نقد روایات عامه پرداخته است. احتمال دیگر ـ که البته ضعیف است[۱۳۵] ـ آن است که این کتاب‌ها را او در روزگار سنی بودنش نگاشته است. شیخ طوسی از این‌گونه تألیف او این‌گونه یاد می‌کند:

«و مما صنفه من رواية العامة: كتاب سيرة أبي بكر كتاب سيرة عمر كتاب سيرة عثمان كتاب سيرة معاوية كتاب معيار الأخبار كتاب الموضح».[۱۳۶]

نظریه‌پردازی‌ها

در بین شیعه نظریاتی مطرح شده که ریشه در روایات ماوراءالنهر دارد؛ از آن جمله نظریه اصحاب اجماع است. این نظریه توسط کشی در کتاب رجالش مطرح شده است. این اندیشه ـ که بیانگر ممتاز بودن تنی چند (۱۸ تن) از راویان شیعه است ـ همواره در سده‌های اخیر مطمح نظر اندیشمندان رجالی و فقها بوده است. صرف‌نظر از برداشت‌های گوناگون از بیان مرحوم کشی، به نظر می‌رسد این اندیشه شبیه به برخی از نظریات اهل سنت بوده باشد. برخی از اساتید بر این باورند که وی اصطلاح «تصحیح ما یصح عنهم» را ـ در عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عنهم...» که در طلیعه سه گروه موسوم به اصحاب اجماع آورده است ـ به گونه ای از اصطلاحات عامه تبعیت کرده است.[۱۳۷] مؤید این کلام آن است که مشابه این نظریه در هیچ یک از مباحث فقهی و رجالی پیش و پس از وی نبوده و از سوی دیگر در متون فقهی و حدیثی اهل سنت همانند کتاب موطا مالک نظیر عبارت کشی دیده می‌شود.

شرکت در جلسات حدیث

بسیاری از راویان شیعه در جلسات حدیثی اهل سنت در ماوراءالنهر شرکت می‌جستند. ماوراءالنهر به خاطر حضور پر رنگ دانشمندان بزرگ سنی به منطقه‌ای علمی و معتبر مشهور شده بود؛ به گونه‌ای که سماع حدیث در این منطقه نشانگر ارزش علمی راوی بوده است. از این رو، عبارت «سمعت بماوراءالنهر» از عبارات ویژه «تدلیس» در احادیث اهل سنت بوده است. شاید به همین جهت، گاهی شیعیان برای آگاهی از اندیشه‌های عالمان آن دیار به این شهرها مهاجرت می‌کردند. اما هیچ‌گاه برای شیعه این منطقه دارای اهمیت علمی نبوده است. تنها در قرن چهارم سمرقند و کش پذیرای خیل عظیم شیعیان علاقه‌مند به حدیث شیعه بوده است.

آنچه برای شیعیان به صورت یک قانون نانوشته وجود داشته است، این بوده که شرکت ایشان در جلسات حدیث سنیان دارای قواعدی بوده است:

نخست، این که معمولاً در جلسات حدیثی عالمان متعصب، تندرو و بزرگ عامه شرکت نمی‌کردند.

---

۱۳۵. چرا که او در همان سنین نوجوانی شیعه شده است.

۱۳۶. *الفهرست*.

۱۳۷. آیة الله سید احمد مددی، در مباحثات علمی درس خارج.

و دوم، این که کلاس‌های حدیثی عالمانی را بر می‌گزیدند که یا تمایلاتی به شیعه داشتند و یا این که راوی احادیث ولایت و یا فضایل اهل بیت بوده‌اند.

سومین مطلبی را که شیعه رعایت می‌کرد، این بود که معمولاً روایات فقهی و کلامی را از راویان سنی روایت نمی‌کردند. بلکه بیشتر روایات اخلاقی و یا فضایل را تمایل به نقل داشتند.

نمونه: شیخ صدوق که سال‌ها در ماوراءالنهر و منطقه خراسان حضور داشته است و معمولاً در نقل روایات اندکی متسامح است، هیچ‌گاه از عالمان مشهور و بزرگ سنی ـ که معاصرش بوده‌اند ـ روایت نکرده است. او اگر چه از راویان عامه آن دیار بسیار نقل کرده، ولی در بین اساتیدش کمتر ـ و یا تقریباً هیچ ـ راوی مشهور سنی دیده نمی‌شود. به طور طبیعی او می‌توانسته از راویان بزرگ سنی عصرش، همچون: ابن حبان (م ۳۵۴ ق)، طبرانی (م ۳۶۰ ق)، عبدالله بن عدی (م ۳۶۵ ق) و دار قطنی (م ۳۸۵ ق) روایت کند، ولی نام هیچ یک از ایشان در متون روایی او دیده نمی‌شود. این حساسیت شیعه، شاید به خاطر پاسداری از کیان و هویت شیعی بوده باشد.

همچنین موضوع بیشتر روایات صدوق ـ که از سنیان گزارش کرده است ـ مسائل اخلاقی و یا فضایل است. البته گاهی روایات تاریخی را نیز نقل کرده است.

برخی از عالمان سنی ماوراءالنهر ـ که شیعه از روایات ایشان بهره برده است ـ عبارت‌اند از: ابوعلی صالح بن محمد بغدادی (محدث اهل سنت در نیمه دوم سده سوم هجری)[۱۳۸]، مقیم بخارا،[۱۳۹] أحمد بن سهل (ابونصر) فقیه بخارا و راوی روایت ثقلین،[۱۴۰] عبدالله بن صالح بخاری (م ۳۰۵ ق).[۱۴۱]

حفظ آثار روایی امام رضا

توجه ویژه راویان سنی به روایات امام رضا از مهم‌ترین نکات عالمیان سنی این منطقه است. شاید همین توجه بوده که امروزه روایات امام رضا در بین متون عامه بیش از روایات دیگر امامان ـ غیر از روایات امام علی ـ است. این توجه اهل سنت خراسان سبب شد که پاره‌ای از متون مربوط به روایات این امام بزرگوار توسط ایشان حفظ گردد.

یکی از متون مهم که تا امروز حفظ شده است کتاب *مسند الرضا* است. بسیاری از راویان این کتاب سنیان منطقه خراسان بوده‌اند. و ظاهراً مدت‌ها این کتاب در بخارا تدریس می‌شده است؛ به عنوان نمونه نور الدین حمزهٔ خدایادی از راویان و دانشمندان سده پنجم و ششم هجری در بخارا[۱۴۲] یکی از راویان کتاب *مسند الرضا* است.

جالب اینجاست که یکی از سه نسخه کتاب *مسند الرضا* نیز مشهور به نسخه بخاری است که در بخارا بوده است. این نسخه در قرن‌های سوم، چهارم و پنجم در بخارا شناخته شده بوده است؛ چه این که

---

۱۳۸. *تاریخ بغداد*، ج۹، ص۳۲۲ ـ ۳۲۳، ش ۴۸۶۲.

۱۳۹. که شیخ صدوق در *الخصال* روایات متعددی را به واسطه محمد بن جعفر بندار از وی گزارش کرده است.

۱۴۰. *المناقب*، خوارزمی، ص۱۵۴ ـ ۱۵۵، ح۱۸۲.

۱۴۱. ر.ک: *الخصال*، ص۲۱۰، ح۳۴.

۱۴۲. *الانساب*، ج۲، ص۳۲۹؛ *معجم البلدان*، ج۲، ص۳۲۹.

حافظ عبدالغافر فارسی (م ۵۲۹ ق) در *منتخب السیاق* خبر از نسخه‌ای از کتاب *صحیفة الرضا* در قرن سوم می‌دهد که افرادی به نام‌های ابراهیم بخاری و ابن مهرویه راوی آن هستند. علامه محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) این نسخه را در اختیار داشته است.[۱۴۳] همچنین راویان بخارایی؛ همچون محمد بن اسماعیل برانی[۱۴۴] و فرزندش محمود، و نوه‌اش سهل، هر سه از راویان احادیث امام رضا؈ در کتاب *مسند الرضا* ؈ هستند.[۱۴۵]

غلو در راویان

در میان راویان شیعی ماوراءالنهر خط غلو کمتر دیده می‌شود. نوع عالمان این دیار به دنبال معرفی صحیح و بی‌پیرایه شیعه به شیعیان و سنیان متمایل به شیعه بوده‌اند. تنها در معرفی سه تن از راویان این دیار عباراتی آمده که بیانگر اندیشه غلو است که آنها عبارت‌اند از:

الف) ابوالفضل جعفر بن معروف سمرقندی (استاد عیاشی). گفته شده که جعفر بن معروف[۱۴۶] در اعتقاداتش از راه اعتدال خارج و راه غلو را برگزیده بود. بر این اساس، در روایات احادیث صحیح و هم احادیث ناسالم دیده می‌شود.[۱۴۷] لذا گروهی در نقل روایت از وی توقف کرده‌اند.[۱۴۸]

ب) عبدالرحمن بن أحمد بن نهیک سمرقندی. ملقب به «دحمان» یا «بدحان».[۱۴۹] اصالتاً از خاندان آل نهیک کوفه است. عبدالرحمن یک راوی شیعی است[۱۵۰] که احادیثش مشکل داشته[۱۵۱] و رجالیان در نقل احادیث وی احتیاط می‌کنند.[۱۵۲] و به نظر می‌رسید که غالی بوده است.[۱۵۳] او کتابی را با عنوان «نوادر» نگاشته است که در اختیار حسین بن عبیدالله غضائری بوده است.[۱۵۴] باید توجه داشت که این راوی نیز حتی اگر در سمرقند بوده است، ولی اصالتاً کوفی بوده است و در کوفه نیز وجود عقاید غالیانه اعجاب‌انگیز نیست.

ج) نصربن صباح. مشهور به ابوالقاسم بلخی ـ استاد کشی ـ است. نجاشی او را «غال المذهب» خوانده است.[۱۵۵]

---

۱۴۳. *مسند الرضا*، ص۳۹ و ۴۰.

۱۴۴. بَرَان آبادی‌ای در حوالی بخارا است.

۱۴۵. *مسند الرضا* ؈، ص۴۴ ـ ۴۵.

۱۴۶. گفتنی است که وی با جعفر بن معروف ساکن در کش متفاوت است؛ چه این که کنیه او ابومحمد است و وی ابوالفضل.

۱۴۷. *رجال ابن غضائری*، ج۲، ص۴۵؛ *رجال ابن داود*، ص۲۳۵ ـ ۲۳۶.

۱۴۸. *أعیان الشیعة*، ج۴، ص۱۸۷؛ *خلاصة الأقوال*، ص۳۳۱.

۱۴۹. *رجال ابن داود*، ص۲۵۶؛ *إیضاح الاشتباه*، ص۲۰.

۱۵۰. *رجال النجاشی*، ص۲۳۶.

۱۵۱. *رجال ابن داود*، ص۲۵۶.

۱۵۲. *رجال النجاشی*، ص۲۳۶.

۱۵۳. *رجال ابن غضایری*، ج۴، ص۷۴.

۱۵۴. *رجال النجاشی*، ص۲۳۶.

۱۵۵. همان، ص۴۲۸.

گذشته از این سه نفر، روایات عباس بن عبدالله بخاری (که شیخ صدوق با سه واسطه از وی روایت کرده است)[۱۵۶] نیز تا حدودی رنگ و بوی غلو دارد.

ه) ارتباط حوزه حدیثی ماوراءالنهر با دیگر حوزه‌های حدیثی

محدثان ماوراءالنهر در دورترین نقاط شرق بلاد اسلامی زندگی می‌کردند. طبیعی است که ارتباط آنان با دیگر مراکز حدیثی شیعه به کندی و به ندرت انجام می‌گرفت؛ چه این که فاصله مکانی سمرقند ـ مرکز حدیث ماوراءالنهر ـ تا قم بیش از هزار کیلومتر و تا بغداد حدوداً بیش از دو هزار کیلومتر بوده است. طی کردن این مسافت‌ها با وسایل مسافرتی آن روزگار، بسیار دشوار می‌نمایاند.

محدثان ماوراءالنهر برای سفر به قم و بغداد انگیزه تحصیلی داشته‌اند، ولی بعید به نظر می‌رسد که عالمان بغداد و قم چندان علاقه‌ای برای سفر علمی به ماوراءالنهر داشته باشند؛ چه این که آنان در مرکز علوم بوده و بی‌تردید، دسترسی محدثان قم، کوفه و بغداد به محدثان برجسته و راویان پیشین و کتاب‌های اولیه به مراتب بیش از ماوراءالنهر بوده است؛ چراکه بیشتر راویان شیعه در کوفه، قم و بغداد می‌زیستند و این مراکز دارای کتابخانه‌های مجهزی بوده‌اند.

از سوی دیگر، در سده‌های سوم تا چهارم در ماوراءالنهر محدثان بسیاری حضور داشته‌اند. از آنجا که به طور طبیعی مراکز حدیثی با یکدیگر ارتباطاتی داشته‌اند، ماوراءالنهر چگونه ارتباط خود را با مدارس حدیثی دیگر حفظ کرده است؟

فرض نخست، آن است که برخی از محدثان این سامان به قم یا بغداد رفته و ادامه تحصیل داده باشند. فرض دیگر مهاجرت برخی از عالمان دیگر مراکز و سکونت ایشان در ماوراءالنهر است و فرض آخر اینکه گروهی از عالمان شیعی کوفه، قم و بغداد برای استفاده از عالمان این سامان رنج سفر کشیده و به این خط سفر کنند. اکنون این فرضیان را در صفحات تاریخ حدیث بررسی می‌کنیم:

الف) سفر تحصیلی حدیث‌پژوهان ماوراءالنهر به مراکز حدیثی

اول. سفر به مدینه: در سده دوم هجری، حدیث‌پژوهان ماوراءالنهر بیشتر سنی بوده‌اند. گفتنی است که در این دوران تنها مراکز حدیثی شیعه، در مدینه و کوفه دایر بوده است. از میان راویان این خطه سه نفر شاگرد امام صادق﵇ بوده که برای کسب علم راهی مدینه شده بودند.

این افراد عبارت‌اند از: أبو حذیفة إسحاق بن بشر کاهلی خراسانی (م ۲۰۶ ق)،[۱۵۷] أبو عبدالله محمد بن فضل بن عطیة بن عمر بن خالد خراسانی (م ۱۸۰ ق)، مروزی الأصل، بخاری،[۱۵۸] أبو خالد یزید بن هارون بن زاذان بن ثابت واسطی (م ۲۰۶ یا ۲۰۸ ق)،[۱۵۹] هر سه راوی و شاگرد امام صادق﵇ در مدینه بوده‌اند و دو نفر اول به خراسان بازگشته و تا پایان عمر در ماوراءالنهر ماندگار شده‌اند.

---

۱۵۶. *علل الشرائع*، ج۱، ص۵، ح۱؛ *عیون أخبار الرضا*﵇، ج۲، ص۲۳۶ ـ ۲۳۹، ۲۲.

۱۵۷. *رجال الطوسی*، ص۱۶۲، ش ۱۷۱؛ *رجال النجاشی*، ص۷۲، ش ۱۸۳۳.

۱۵۸. *رجال الطوسی*، ص۲۹۷.

۱۵۹. *الفائق فی رواة و أصحاب الإمام الصادق*﵇، ج۳، ص۴۵۳، ش ۳۶۸۸.

دوم. سفر به کوفه: یک راوی سخت‌کوش در قرن چهارم از این خطه برای سفر به کوفه تلاش کرده است و او محدث پرآوازه شیعه محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی است. نجاشی درباره او می‌نویسد:

و كان حديث السن سمع أصحاب علي بن الحسن بن فضال و عبدالله بن محمد بن خالد الطيالسي و جماعة بن شيوخ الكوفيين و البغداديين و القميين.[160]

این گزارش گویای سفر وی به قم، کوفه و بغداد است. و ظاهراً بخش مهمی از تحصیلاتش را در کوفه گذرانده است؛ چه این که او را از اصحاب ابن فضال کوفی و محمد بن خالد طیالسی کوفی برشمرده است.

سوم. سفر به قم: در قرن سوم و چهارم، قم به عنوان یکی از مراکز حدیثی شیعه شاهد رفت و آمدهای محدثان بوده است. اگرچه تاریخ، تمام این سفرها را ثبت نکرده است؛ اما از چگونگی تحمل حدیث و نقل‌های شاگردان از اساتید قمی می‌توان به سفرهای آنان تا حدودی پی برد. دانشیانی که به قم سفر کرده‌اند، عبارت‌اند از: إبراهیم وراق سمرقندی (استاد کشی و شاگرد علی بن محمد قمی)،[161] حیدر بن محمد بن نعیم سمرقندی (استاد در سال ۳۴۰ ق،[162] و شاگرد دانشمندان بزرگ قم، محمد بن حسن بن أحمد بن ولید قمی، و حسین بن أحمد بن إدریس قمی، و جعفر بن محمد بن قولویه قمی)،[163] محمد بن مسعود عیاشی (بنا به گزارش پیشین نجاشی)[164] و محمد بن وارث سمرقندی (شاگرد حسن (حسین) بن علی قمی).[165]

چهارم. سفر به بغداد: گذشته از محمد بن مسعود عیاشی که بیانش گذشت؛ در زندگی‌نامه علمی دو تن از راویان ماوراءالنهر، سفر به بغداد دیده می‌شود که عبارت‌اند از: جعفر بن معروف کشی (راوی، وکیل،[166] عابد[167] و شاگرد محمد بن حسین بن ابی الخطاب ـ از اصحاب امام جواد و بزرگان شیعه ـ و محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین[168] در بغداد) و أبوبکر محمد بن خالد بن حسن بخاری.[169]

۱۶۰. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰، ش ۹۴۴.
۱۶۱. *اختیار معرفة الرجال*، ج۲، ص۵۴۳، ح۴۸۱.
۱۶۲. تلعکبری از او در این سال حدیث شنیده است. (*رجال الطوسی*، ص۴۲۰).
۱۶۳. همان.
۱۶۴. *رجال النجاشی*، ص۳۵۰، ش ۹۴۴.
۱۶۵. همان، ص۴۴، ش ۸۷.
۱۶۶. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸.
۱۶۷. *لسان المیزان*، ج۲، ص۱۲۸، ش ۵۵۴. به نقل از *رجال علی بن حکم* (از عالمان شیعی).
۱۶۸. *رجال الکشی*، ص۵۳۸.
۱۶۹. *عیون أخبار الرضا* ؑ، ج۲، ص۲۰۴، ح۱.

ب) سفر حدیث‌پژوهان مراکز حدیثی به ماوراءالنهر

مهاجرت و سکونت

۱. ابوعبدالله حسین بن إشکیب: او اصاتاً قمی و از أصحاب امام هادی و امام عسکری علیهما السلام است.[۱۷۰] دانشمندی بلند آوازه و مؤلفی سترگ بوده[۱۷۱] و از قم مهارجت کرده و در محدوده کش و سمرقند ساکن شده است. از این‌رو، وی را از اساتید و راویان بزرگ حدیث در خراسان شمرده‌اند. محمد بن مسعود عیاشی[۱۷۲] و محمد بن وارث افتخار شاگردی او را دارند و از وی بسیار حدیث نقل کرده‌اند.[۱۷۳]

۲. شیخ نجم الدین أبو سعید محمد بن حسن بن محمد بن أحمد بن علی بن الصلت قمی از دانشمندان معاصر شیخ صدوق در بخارا بوده است. او اصالتاً قمی بوده، ولی به بخارا مهارجت و در آن دیار ساکن می‌شود. صدوق او را این‌گونه توصیف می‌کند:

> ... استادی قمی است از اهل فضل و علم و خرد. من مدت‌ها بود که آرزومند ملاقات او و مشتاق زیارتش بودم؛ چه این که او فردی متدین و استوار اندیشه و درست‌منش بود... پدرم شاگرد جد او محمد بن أحمد بن علی بن الصلت ـ قدس الله روحه ـ بود و علم و عمل و زهد و فضل و عبادت او را می‌ستود. و أحمد بن محمد بن عیسی ـ با آن فضل و جلالتش از أبوطالب عبدالله بن صلت قمی ـ رضی الله عنه ـ روایت می‌کرد... و آن‌گاه، خداوند توفیق ملاقات این شیخ [شیخ نجم الدین أبو سعید محمد بن حسن] را ـ که از این خاندان جلیل است ـ به من عنایت کرد. خدا را به خاطر این نعمت شکر گزاردم.[۱۷۴]

صدوق پس از زیارت امام رضا در نیشابور اقامت می‌گزینند و شیخ نجم الدین برای ملاقات او به آنجا می‌آید.[۱۷۵]

۳. أبو محمد جعفر بن علی بن أحمد قمی ایلاقی، از فقهای قمی ساکن ایلاق است. او دانشمندی ثقه[۱۷۶] و از مشایخ اجازه[۱۷۷] به شمار می‌رفت. شیخ طوسی او را معروف به ابن رازی دانسته و در شمار راویان با واسطه از معصومان آورده است.[۱۷۸] جعفر بن علی قمی ایلاقی استاد حدیث شیخ صدوق[۱۷۹] و از نویسندگان بزرگ ری و قم بوده است.[۱۸۰]

---

۱۷۰. *رجال الطوسی*، ص۳۹۸ و ص۴۲۰ و.

۱۷۱. *رجال النجاشی*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۱۷۲. ر.ک: *اختیار معرفة الرجال*، ج۱، ص۷۵ ـ ۹۸ و ۲۰۲ ـ ۲۰۳ و ۳۳۶ و ۴۰۰؛ و ج۲، ص۴۳۰ ـ ۴۳۴.

۱۷۳. *رجال النجاشی*، ص۴۴ ـ ۴۵.

۱۷۴. *کمال الدین و تمام النعمة*، ص۲ ـ ۳.

۱۷۵. همان.

۱۷۶. *رجال ابن داود*، ص۸۶، ش ۳۱۲.

۱۷۷. *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۲، ص۱۷۲.

۱۷۸. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸، ش ۶۰۳۶.

۱۷۹. *التوحید*، ص۴۱۷ ـ ۴۱۸.

۱۸۰. *أعیان الشیعة*، ج۴، ص۸۲ ـ ۸۳.

۴. محمد بن حسن (حسین[۱۸۱]) بن إسحاق علوی معروف به شریف الدین ابو عبدالله نعمت از عالمان جلیل القدر و پرهیزکار[۱۸۲] شیعه در منطقه ایلاق و پیشنهاددهنده ***کتاب من لا یحضر الفقیه*** است. او اصالتاً عرب و اهل مدینه[۱۸۳] است که منطقه ایلاق را برای سکونت بر می‌گزیند.

۵. أبو عبدالله کوفی[۱۸۴] علوی[۱۸۵] (م ۳۳۹ ق)، وی در طبقه اساتیدِ اساتید صدوق بوده است.[۱۸۶] او در فرغانه زندگی می‌کرده و به فقیه آن دیار شهرت داشته است.[۱۸۷] وی نیز اصالتاً عرب بوده و از حجاز به آن سامان آمده بود. خطیب بغدادی در توصیف او می‌نویسد:

كان احد وجوه بني هاشم و عظمائهم و صلحائهم و كان من شهود للحاكم و كان ورعاً خيراً فاضلاً فقيهاً ثقة صدوقاً.[۱۸۸]

۶. علی بن محمد بن فیروزان قمی. او یک راوی شیعی و کثیر الروایة است. اگرچه اصالتاً قمی است، ولی در کش مقیم بوده است.[۱۸۹]

سفر حدیثی و بازگشت به موطن

۱. حسین بن علی بن محمد قمی، معروف به أبو علی بغدادی استاد شیخ صدوق است و از کسانی است که خدمت حسین بن روح نایب امام عصر﷣ رسیده است.[۱۹۰] او ساکن بغداد بود و برای مدتی به بخارا ـ احتمالاً برای اخذ حدیث ـ سفر کرد و سپس به بغداد بازگشت.[۱۹۱] شیعیان بخارا وی را وکیل خود در رساندن وجوهات به نایب امام عصر کرده‌اند.[۱۹۲]

۲. علی بن محمد بن عبدالله قزوینی: او مشهور به قاضی ابوالحسن قزوینی است. وی نخستین فردی است که میراث حدیثی بزرگ‌ترین راوی و محدث خراسان، یعنی جناب محمد بن مسعود عیاشی را به بغداد منتقل می‌کند. این انتقال در سال ۳۵۶ ق، رخ داده است.[۱۹۳]

۳. ابو جعفر محمد بن علی قمی، معروف به شیخ صدوق مدتی از عمر خود را در ماوراءالنهر و خراسان گذرانده است. حضور پر برکت صدوق در این منطقه و سکونت موقتی وی ـ حدود ۴ سال ـ منجر به

---

۱۸۱. همان، ج۲، ص۳۸۰، ش ۲۴۲۰.
۱۸۲. *من لا یحضره الفقیه*، ج۱، ص۱۴.
۱۸۳. همان، ج۴، ص۵۳۸ ـ ۵۳۹.
۱۸۴. *علل الشرائع*، ج۱، ص۶۶ ح۲.
۱۸۵. *معانی الاخبار*، ص۱۰۴، ح۱.
۱۸۶. *علل الشرائع*، ج۱، ص۶۶ ح۲.
۱۸۷. همان.
۱۸۸. *تاریخ بغداد*، ج۸، ص۷، ش ۴۰۴۰.
۱۸۹. *رجال الطوسی*، ص۴۲۹، ش ۶۱۶۴
۱۹۰. *کمال الدین و تمام النعمة*، الشیخ الصدوق، ص۵۱۸ ـ ۵۱۹، ح۴۷.
۱۹۱. همان.
۱۹۲. همان.
۱۹۳. *رجال النجاشی*، ص۲۶۷، ش ۶۹۳

تألیف *کتاب من لا یحضره الفقیه* گردید. شاید سفرهای متعدد وی به خراسان و سکونت‌های کوتاه و بلند او سبب شده که رجالیان او را سرشناس طائفه امامیه در خراسان بدانند.[۱۹۴]

شیخ صدوق در سفر سوم خود به خراسان، پس از زیارت امام رضاؑ در روز سه شنبه هفدهم شعبان سال ۳۶۸ ق، پس از املای احادیث جلسه نود و چهارم کتاب *الامالی*، شهر مشهد را به قصد سفر به دیار ماوراءالنهر ترک کرد. صدوق به بلخ و سه شهر اصلی ماوراءالنهر، یعنی ایلاق، سمرقند و فرغانه رفت. احتمالاً شیخ پس از طی مسافت طولانی و گذر از شهرهای مرو رود و فاریاب به بلخ رفته و پس از حضور در این شهر و دست کم استفاده از هفت استاد حدیث، از رود پر تلاطم و بزرگ جیحون (یا آمویه) گذشته و به سرزمین سر سبز ماوراءالنهر وارد شده است. سمرقند نزدیک‌ترین شهر بزرگ در این مناطق به بلخ است و شیخ باید نخست، به سمرقند رفته باشد و پس از آن به ایلاق و آن گاه، به فرغانه دورترین منطقه در ماوراءالنهر.

۴. ابو مفضل محمد بن علی شیبانی: او یکی از افراد مهم در انتقال میراث مکتوب و غیر مکتوب حدیث امامیه از ماوراءالنهر به بغداد بوده است. شیبانی با نقل روایات راویان بخارا[۱۹۵] و همچنین کسب اجازه روایت کتاب‌های محمد بن مسعود عیاشی از فرزندش جعفر[۱۹۶] توانست تراث حدیث شیعه را از خاور به بغداد به ارمغان آورد.

۵. جعفر بن محمد بن قولویه قمی: وی نیز با سفر به خراسان و ماوراءالنهر توانست به عنوان حلقه ارتباطی حوزه حدیث ماوراءالنهر و مدرسه بغداد نقش ایفا کند. از مهم‌ترین اساتید وی در این سفر جناب عمر بن عبدالعزیز کشی بوده است. با توجه به عدم خروج کشی از خراسان، به نظر می‌رسد که ابن قولویه به خراسان رفته باشد. نقل کتب روایی کشی (*رجال الکشی*)،[۱۹۷] حسین بن اشکیب مروزی،[۱۹۸] جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی[۱۹۹] و نصر بن صباح بلخی[۲۰۰] حاصل این سفر است. همچنین وی شاگرد جعفر فرزند عیاشی[۲۰۱] نیز بوده است.

از آنچه گذشت، به خوبی می‌توان دریافت که روزگاری نه چندان دور آفتاب حدیث شیعه در بسیاری از مناطق ماوراءالنهر درخشان می‌تابید و شهرهای گوناگون آن دیار از این درخشش بر خود می‌بالیدند. هر چند این تلالؤها چندان پایدار نبود، اما فروغِ آن همواره و تا به امروز پایدار ماند؛ چه این که این خطه ارزشمند، نزدیک به چند قرن محدثان و راویانی را در خود جای دارد و راهِ احادیث بسیاری را به آن گشود و کتاب‌هایی را مدون ساخت که تا امروز نیز برکاتِ تلاش محدثان ماوراءالنهری همچنان زیبنده حدیث

۱۹۴. همان، ص۳۸۹، ش ۱۰۴۹.
۱۹۵. *کفایة‌الاثر*، ص۹۰.
۱۹۶. *رجال الطوسی*، ص۴۱۸.
۱۹۷. *رجال النجاشی*، ص۳۷۲، ش ۱۰۱۸.
۱۹۸. همان، ص۴۴، ش ۸۸
۱۹۹. همان، ص۱۲۱، ش ۳۱۰.
۲۰۰. همان، ص۴۲۸، ش ۱۱۴۹.
۲۰۱. همان، ص۲۱۹، ش ۵۷۲؛ *التهذیب*، الجزء ۴، باب کمیة الفطرة، الحدیث ۲۳۲.

شیعه است. بی‌تردید، اگر اصرار محدثان شیعی آن دیار نبود، بخشی از آثار ـ همچون کتابِ فخیمِ *من لا یحضره الفقیه* ـ خلق نمی‌شد و روایات عیاشی‌ها و کشی‌ها و ابن اشکیب‌ها ماندگار نمی‌گشت.

آنچه در این نوشتار ارائه شد، دورنمایی از سرنوشت حدیث شیعه در ماوراءالنهر تا پایان سده پنجم هجری بود. به خوبی نمایان شد که ماوراءالنهر در سده سوم و چهارم تمام شاخصه‌های یک حوزه حدیثی را داشته است. حضور حداقل نود و هفت راوی در این دو قرن در شهرهای مختلف این دیار از سویی و تألیفاتی افزون بر چهارصد اثر در سده چهارم، برپایی ده‌ها جلسه سماع و قرائت حدیث و ارتباط فعال و دو سویه با مراکز حدیثی آن روزگار ـ به ویژه قم ـ همگی نشانگر آن است که ماوراءالنهر یک حوزه حدیثی فعال در تاریخ حدیث شیعه بوده و چه بسا به عنوان یک مدرسه و مکتب حدیثی نیز شناخته می‌شده است. متأسفانه آثار بسیار کمی از محدثان آن دیار باقی مانده است و اگر این آثار قابل توجه بود، می‌توانستیم با بررسی آنها به اندیشه‌های حدیثی و چه بسا مکتب‌گونه و اختصاصی آن خطه نیز پی ببریم. شاید همین رونق زاید الوصف این منطقه در سده چهارم بود که سبب حضور چهار ساله شیخ صدوق در ایلاق و بستری مناسب برای تدوین *کتاب من لا یحضره الفقیه* شد.

به هر تقدیر، دو شهر سمرقند و کش در دو سده یاد شده منشأ تحولات عظیمی در شرق بلاد اسلامی شدند و بزرگ دانشمندی چون عیاشی با جهاد علمی خود خدمت پر برکتی را به جامعه حدیثی شیعه روا داشت.

اگرچه نگارنده این سطور زندگی‌نامه تمام راویان کل خراسان قدیم، آثار ایشان، جلسات حدیثی و دیگر شاخصه‌های حدیثی آن سامان را برای انتشار در کتابی مستقل به طور مفصل گردآورده است، ولی بر این باور است که بازخوانی تلاش‌های حدیثی شیعه در خراسان نیازمند بررسی‌ها و مطالعات گسترده‌ای است که این نوشتارها تنها بسانِ درآمدی بر شروع یک پژوهش بنیادی در بازشناسی حدیث شیعه در خراسان قدیم است؛ چه این که بایسته است پژوهشگران برای ده‌ها سؤال درباره خراسان پاسخی در خور بیابند. چرایی باقی نماندن صدها کتاب حدیث شیعی در ماوراءالنهر و چرایی رو به افول نهادن یک باره حوزه حدیث سمرقند در قرن پنجم از این‌گونه پرسش‌ها است که می‌تواند هر یک موضوعی برای پژوهه‌ای مستقل باشد.

بازخوانی تاریخِ سیاسی ماوراء النهر بی تردید می‌تواند پاسخ بخشی از این سوالات را بر نماید. شیعیان در دوره حکومت‌های سامانیان(۲۶۰ـ ۳۸۹ق)، و پس از آنان قراخانیان(۳۸۹ـ ۶۰۹ق) در بخش‌هایی از این مناطق به آسودگی و امنیت می‌زیستند. اما با ظهور حکومت‌های متعصب غزنویان(۳۹۰ـ ۵۴۵ق) و ترکان سلجوقی(۴۵۵ ـ ۵۳۳ق) بسیاری از شیعیان هجرت از این منطقه را بر حضور ترجیح دادند. در دوره سامانیان شیعیان از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند؛ به عنوان نمونه، امیر اسماعیل، املاکی را برای آنان وقف کرد که از پرداخت مخارج معاف بود.حتی نصر بن احمد و گروهی از درباریان و دیوانیان او به دعوت شیعه اسماعیلی پیوسته بودند.[۲۰۲]

۲۰۲. *فرهنگ وتمدن اسلامی در ماوراء النهر*، ص۳۹۵.

در زمان قراخانیان نیز اوضاع شیعه مساعد بود. برخی از مستشرقان (پریستاک و مادلونگ) بر این باورند نفوذ تشیع این مناطق فراتر از ماوراء النهر بوده است و حداقل در میان یکی از شاخه‌های قراخانیان، امام علیؑ و علویان مورد احترام بودند. آنان تکرار نام‌های علی، حسن و حسین در میان قراخانیان را نشانهٔ علی دوستی آنان شمرده‌اند.[۲۰۳]

از سوی دیگر، درگیری‌های نظامی گسترده از میانه سده چهارم به بعد ـ که سبب افول حکومت سامانی شد ـ و همچنین تلاش‌های نظامی قراخانیان و تحرکات سبکتگین، و جنگ‌های داخلی این سه حکومت[۲۰۴] همگی در مهاجرت دانشیان شیعه از این مناطق به مغرب زمین و دیگر نواحی بلاد اسلامی موثر بوده است.

جدول پراکندگی جغرافیایی محدثان و مؤلفان شیعی در آسیای میانه کهن

سده‌های هجری	تعداد محدثان	تعداد نویسندگان	تعداد کتاب‌ها و آثار	توضیح
سده اول هجری	۵ نفر؛ بخارا ۴ نفر سمرقند ۱ نفر	-	-	-
سده دوم هجری	۹ نفر؛ بخارا ۷ نفر فرغانه ۱ نفر نسف ۱ نفر	۲ مؤلف	۷ اثر	-
سده سوم هجری	۳۲ نفر؛ سمرقند و کش ۲۳ نفر دیگر شهرها ۹ نفر	۵ مؤلف	۶ اثر	دو نفر از مؤلفین کثیر التألیف هستند، ولی از اسامی و تعداد ایشان اطلاعی در دست نیست.
سده چهارم هجری	۶۵ نفر؛ سمرقند و کش ۱۹ نفر بخارا ۲۱ نفر فرغانه ۱۰ نفر بقیه شهرها ۱۵ نفر	۹ مؤلف	بیش از ۴۳۰ اثر	در این سده ده‌ها جلسات حدیث برپا شد و یکی از محدثان این دوره (حیدر بن محمد سمرقندی) راوی ۱۰۰۰ اصل و کتاب و شیعی در سمرقند بوده است. شیخ صدوق نیز در همین دوره در ایلاق *کتاب من لا یحضره الفقیه* را نگاشت و ۲۵۰ کتاب خود را در این منطقه اجازه روایت داد.
سده پنجم هجری	۱۲ نفر؛ بخارا ۵ نفر سمرقند ۲ نفر نَسف ۵ نفر	۵ مؤلف	بیش از ۱۳۰ اثر	-
جمع	۱۲۳ نفر	۲۱ مؤلف	۵۷۳ اثر	

۲۰۳. *مکتب‌ها و فرقه‌ها*، ص۴۱.

۲۰۴. ر.ک: *فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراء النهر*، ص۱۱۵ ـ ۱۷۰.

کتابنامه

ـ *اختیار معرفة الرجال*، ابو عمرو محمد بن عمر کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، م۱۳۴۸، مشهد،دانشکده الهیات ومعارف اسلامی.

ـ *ارباع خراسان الشهیرة*، قحطان عبدالستار الحدیثی، جامعة البصرة، بصره، اول، ۱۹۹۰ م.

ـ *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*، خیر الدین زرکلی، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۰.

ـ *أعیان الشیعة*، سید محسن أمین، تحقیق: حسن الأمین، دار التعارف للمطبوعات، بیروت.

ـ *الانساب*، عبد الکریم بن محمد بن منصور التمیمی سمعانی (م ۵۶۲ هـ) تقدیم وتعلیق: عبد الله عمر البارودی، مرکز الخدمات والأبحاث الثقافیة دار الجنان، بیروت، اول ۱۴۰۸ ق.

ـ *ایضاح الاشتباه*، حسن بن یوسف بن مطهر أسدی حلی (علامۀ حلی) (م ۷۲۶)، تحقیق: محمد الحسون، مؤسسۀ نشر اسلامی، اول، ۱۴۱۱ ق.

ـ *بازشناسی منابع اصلی رجال شیعه*، محمد کاظم رحمان ستایش و محمد رضا جدیدی نژاد، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، اول، ۱۳۸۴ش.

ـ *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، خطیب البغدادی (م ۴۶۳)، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۱۷ هـ ـ ۱۹۹۷ م.

ـ *تذکرة الحفاظ*، ذهبی، دار احیاء التراث العربی.

ـ *تفسیر القرآن الکریم*، ابو حمزۀ ثمالی (م ۱۴۸ ق)، جمع وتألیف: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، دفتر نشر الهادی،اول ۱۴۲۰ ق ـ ۱۳۷۸ ش.

ـ *التفسیر*، محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، تصحیح وتحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، المکتبة العلمیة الاسلامیة.

ـ *التوحید*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ق.

ـ *تهذیب الاحکام*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م۴۶۰ هـ)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش، سوم.

ـ *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال للشیخ الجلیل أبی العباس أحمد بن علی النجاشی*، سید محمد علی موحد أبطحی، قم، دوم، ۱۴۱۷ هـ ق.

ـ *الخصال*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.

ـ *خلاصة الاقوال*، حسن بن یوسف بن مطهر أسدی حلی (علامۀ حلی) (م ۷۲۶ ق)، تحقیق: مؤسسة نشر الفقاهة، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق، اول.

ـ *الذریعه إلی تصانیف الشیعة*، آقا بزرگ تهرانی، دار الأضواء بیروت،سوم، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳م.

ـ *رجال النجاشی*، احمدبن علی نجاشی، (م ۴۵۰ق)، قم: موسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
رجال، ابن داود حلی (م بعد از ۷۰۷ ق)تحقیق: علامۀ سید محمد صادق آل بحر العلوم، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ق.
ـ *الرجال*، احمد بن حسین غضائری، تحقیق محمد رضاالحسینی الجلالی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
ـ *الرجال*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م۴۶۰ ق)، تحقیق: جواد القیومی الأصفهانی، مؤسسة النشر الاسلامی.
ـ *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال*، سید علی أصغر جابلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ ق)، تحقیق: السید مهدی رجائی، مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، قم، اول، ۱۴۱۰ق.
ـ *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ابن طاووس الحلی، خیام، قم ۱۳۹۹ق.
ـ *علل الشرائع*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۰۸ق، اول.
ـ *عیون أخبارالرضا*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: جهان، بی تا.
ـ *الغیبه*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م۴۶۰ ق)، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۸۵ق.
ـ *الفائق فی رواة وأصحاب الإمام الصادق*، عبد الحسین شبستری، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، اول، ۱۴۱۸ق.
ـ *فرهنگنامه تطبیقی نام‌های قدیم و جدید مکان‌های جغرافیایی ایران*، علیرضا چگینی، آستان قدس رضوی،مشهد، دوم، ۱۳۸۵ش.
ـ *فضائل الاشهر الثلاثه*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م۳۸۱ق)، تحقیق: غلام رضا عرفانیان، دار المحجة البیضاء دار الرسول الأکرم، دوم ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
ـ *الفهرست*، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، (م۴۶۰ ق)، تحقیق: مؤسسة نشر الفقاهة.
ـ *الفهرست*، منتجب الدین علی بن بابویه رازی، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، کتابخانه عمومی آیة الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱۳۶۶ش.
ـ *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی(شیخ کلینی)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق، سوم.
ـ *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، سلیم (م۷۶ هجری) تحقیق: محمد باقر الأنصاری الزنجانی.
ـ *کتاب من لا یحضره الفقیه*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق، دوم.
ـ *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر*، أبو القاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی، تحقیق: سید عبد اللطیف حسینی کوه کمره ای خوئی، انتشارات بیدار، قم، ۱۴۰۱ق.

- *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، تحقیق علی اکبر الغفاری، ۱۳۹۰ق، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- *الکنی والألقاب الکنی والألقاب*، شیخ عباس قمی، مکتبة الصدر، طهران.
- *لسان المیزان*، أحمد بن علی بن حجر عسقلانی، (م ۸۵۲ ق)، منشورات مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، دوم، ۱۹۷۱ م/۱۳۹۰ ق.
- *المجتنی من الدعاء المجتبی*، ابن طاووس الحلی، تحقیق صفاء الدین البصری.
- *المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین*، محمد بن حبان بن أحمد أبی حاتم التمیمی البستی (م۳۵۴ق)، تحقیق:محمود إبراهیم زاید.
- *مستدرکات علم رجال الحدیث*، علی، شفق نمازی شاهرودی، قم، اول، ۱۴۱۲ق.
- *مسند الإمام الرضا*ؑ، داود بن سلیمان بن یوسف غازی، تحقیق: السید محمد جواد الحسینی الجلالی، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- *معالم العلماء*، ابن شهر آشوب مازندرانی، (م ۵۸۸ق)، قم.
- *معانی الاخبار*، محمد بن علی بن بابویه قمی(م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی أکبر غفاری، انتشارات إسلامی وابسته بجامعة مدرسین حوزهء علمیه قم ۱۳۶۱ هجری شمسی.
- *معجم البلدان*، یاقوت بن عبد الله حموی رومی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹ م.
- *معجم رجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواة*، سید أبو القاسم موسوی خوئی، پنجم، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۲ م.
- *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانی*، ویلفرد مادلونگ، ترجمه جواد قاسمی، مشهد، آستان قدس،۱۳۷۵.
- *مناقب آل أبی طالب*، ابن شهر آشوب مازندرانی، تحقیق: یوسف بقاعی، دار الأضواء، بیروت، ط ۲، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م.
- *المناقب*، موفق بن أحمد بن محمد مکی (م ۵۶۸ ق)، مؤسسة النشر الاسلامی، تحقیق: مالک محمودی، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۱ ق.
- *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار المعرفة للطباعة والنشر،بیروت.
- *الوضاعون و احادیثهم*، عبد الحسین امینی (علامه امینی)، تحقیق: رامی یوزبکی، مرکز اسلامی الغدیر، اول، ۱۴۲۰ق.
- *الیقین باختصاص مولانا علی(ؑ) بامرة المؤمنین*، ابن طاووس الحلی، (م ۶۶۴ هـ)، تحقیق: الأنصاری، مؤسسة دار الکتاب (الجزائری)، قم مؤسسة دار الکتاب (الجزائری)، اول، ۱۴۱۳ق.